

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۱۹
پنجشنبه ۶ شهریور ۱۳۵۹، بها: ۱۵ ریال

امپریالیستهای امریکایی اعتراف می کنند که قصد سرنگونی جمهوری اسلامی ایران را دارند

باید تمام قوا را برای درهم شکستن توطئه عظیم امپریالیسم امریکایی و وابستگیهایش بسیج و مجهز کرد

روزنامه واشنگتن پست، نقل از یک مقام آمریکایی نزدیک به کارتر گفته است که: «کارتر قصد دارد رژیم خمینی را تا انجام انتخابات ریاست جمهوری

چرا؟

امام خمینی:

مبادا يك وقت درجانی برخلاف مقررات و نظم عمل بکنید. این يك امری است برای همه کشورهاست. برای همه نهادهای کشورما هست. باید انتظام، نظم را و مقررات جمهوری اسلامی و مقررات حکومت اسلامی را موبمو دریافت کنند و موبمو عمل کنند و برخلاف مقررات عمل نکنند.

امام خمینی:

خارجیها میخواهند که ما این طور باشیم، که هیچ نظمی نداشته باشیم و مثل جیکل باهم رفتار کنیم، تا اینکه بهانه بدست آورند.

بنی صدر رئیس جمهوری:

آرام آرام باید روی این خط برویم که قانون باید حکومت بکند، نه گروه و دسته. این راه حل کشور است.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی:

اگر در چارچوب قانون اساسی، گروهها حاضر باشند، فعالیت سالم سیاسی بکنند و قانون را مراعات کنند، مجلس از فعالیت آنها حمایت خواهد کرد و باید اجازه بدهیم که قانونی باشند و فعالیت کنند. آیت الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور:

... اشخاص متفرقه بدون داشتن دستوری از طرف مقامات مسئول به اماکن و دفاتر گروهها و بعضی از روزنامهها، حتی بعضی از ادارات دولتی رفته و آنها را اشغال کرده اند، به تصور اینکه عمل آنها يك اقدام انقلابی است. باتوجه به اینکه در نظام اسلامی و حکومت قانون، هر عملی که انجام می شود، باید از طریق مقامات مسئول و طبق قوانین حاکم بر اجتماع صورت گیرد، اقدام به این قبیل اعمال علاوه بر اینکه برخلاف مقررات جاری و محل امنیت قضایی و تضعیف ارکان های مملکتی است مخالف نص صریح قانون اساسی و مصالح عالی کشور و دستور قرآن کریم است. و این قبیل اعمال مطمئنا بهانه خوب و زمینه مساعدی است که فساد انقلاب زبیر پوشش آن نیت و افکار و نقشه های شوم خود را عملی سازد. بدیهی است در کشوری که قوه قضائیه و قوه اجرائیه و مجلس شورای اسلامی آن مورد قبول و حمایت امام و امت قرار دارد، اینگونه اعمال جز هرج و مرج نمره دیگری نخواهد داشت. علیهذا لازم است کلیه افراد مسلمان و متعهد، که به خیال وظیفه انقلابی و اسلامی دست به چنین اعمال می زنند، به شدت از آن انحراف نمایند و اگر افرادی به این کارها ادامه دهند، تحت تعقیب قانون قرار خواهند گرفت. در خاتمه متذکر می گردد اماکنی که تاکنون به طریقی یا بدینوسیله تصرف شده است، باید در اسرع وقت تخلیه کنند و در اختیار دادستان کل کشور و یا دادستانی انقلاب اسلامی و یا کمیته مرکزی قرار گیرد تا نسبت به آنها برابر مقررات تصمیم مقتضی اتخاذ گردد.

آیت الله لاهوتی، نماینده مجلس شورای اسلامی:

عمده ترین مسئله ای که فکر مرا مشغول کرده، حاکم نبودن قانون در جامعه است و این مشکل را آقاسی پی صدر مکرر و همه دلسوخنگان به رهبری امام، در حالیکه الهام از امام میگیرند، گوشزد میکنند و آهانی که مسئولیت مستقیم دارند، این مسئله را بیشتر لمس میکنند.

مرتضی اعظمی لرستانی، نماینده مجلس شورای اسلامی:

... جوی پیش آمده که هیچکس تأمین ندارد و معلوم نیست قدرت در دست کیست. هر کس به میل و خواست خودش به دیگران تجاوز میکند، در صورتیکه ما قانون مقدس اسلام داریم، قانونی که نمایندگان ملت در خبرگان تصویب کرده اند و ملت تأیید نموده است و بنسب امام خمینی رسیده است... چاق کشیدن، حمله کردن، حانه مردم را تصرف کردن و مردم را از کار بدر کردن بدون دلیل به نفع چه کسی است.

چرا؟

پس از سخنان امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، رئیس جمهوری، رئیس مجلس شورای اسلامی، دادستان کل کشور، امام جمعه تهران و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در لنگرود، فومن، گرمسار، رامین، هشتپر، طواتر، کرمان، اسلام آباد غرب، قروه و شیراز، از جانب اشخاص متفرقه به دفاتر حزب توده ایران و نامه مردم و محل فروش نشریات حزب حمله شده است.

چرا؟

از اجتماعات کارگران در روزهای اخیر باید درسهای جدی گرفت

اجتماع کارگران صنعت چاپ، عصر روز یکشنبه ۴ شهریور، در خانه کارگر، که می توانست بحران جدی در روابط کارگران و دولت بوجود آورد، خوشبختانه بر اثر هوشیاری کارگران و آشنایی آنها به وظایف انقلابی خود با آرامش پایان پذیرفت. این امر که کارگران صنعت چاپ و سندیکای کارگران چاپخانه های تهران و حومه از خود هوشیاری انقلابی نشان دادند و توطئه ضد انقلاب را در روز در رو قرار دادن کارگران با دولت جمهوری اسلامی خنثی ساختند، جای بسی مسرت است. این بیروزی راه که نظایر فراوان دارد و هر روز در گوشه و کنار کشور تکرار می شود و نشانه آگاهی و هوشیاری طبقاتی کارگران است، باید به طبقه کارگر ایران تریک گفت. همین هفته پیش توطئه ای جدی، که میخواست بر سر امتناع وزارت

نفت از انعقاد پیمانهای دسته جمعی، همه صنعت نفت را به تعطیل بکشاند، به ابتکار سندیکاهای و شوراهای واقعی کارگران در این صنعت خنثی شد. نمایندگان کارگران صنعت نفت، که بدعوت خود مسئولین وزارت نفت برای انعقاد پیمان دسته جمعی به تهران احضار شده بودند، با این که پس از یکماه سرگردانی، با خلف وعده مسئولین مواجه شدند و در اعتراض جدی بعمل وزارت نفت محق بودند، معذالك از دست زدن به اقدامات حاد اعتراضی و اعتصابی خودداری کردند. نمایندگان کارگران در سندیکاهای و شوراهای صنعت نفت، ضمن آگاهی دادن به افکار عمومی در مورد رفتار تحریک آمیزی که با آنان شده بود، کارگران صنایع نفت در سراسر کشور را به خونسردی و خودداری از هر نوع واکنش حاد و اعتراضی و اعتصابی بر حذر داشتند. نمایندگان کارگران بدرستی کارگران را به ادامه تلاش و کوشش شبانه روزی

قطب زاده علیه خط امام قیام کرده است

مجله «تایم» در شماره اخیر خود، قسمتهایی از مصاحبه ای را با قطب زاده وزیر امور خارجه منتشر کرده است. طی این مصاحبه، که هفته پیش «برای مجله تایم» و «بایک روزنامه تانگار متین تهران» صورت گرفته است، روزنامه نگار می پرسد: آیا شما خود داوطلب شدید که این نامه را برای آزادی کروگانها به مجلس بنویسید؟ قطب زاده در پاسخ میگوید که گویا هیچکس، از جمله رئیس جمهور، جرات نمیکرد «بخرا بشکنند» و این نامه را بنویسد... بنا بر این من تصمیم گرفتم که وظیفه حل مشکل مسئله کروگانها را بپذیرم بگیرم» و سپس درباره امکان محاکمه

کروگانها میفرماید: «چنین محاکماتی از هر نقطه نظری که به آن نگاه کنید علیه مصالح ما (ای) است.» و در پاسخ آخرین پرسش که: «بنظر شما شانس موفقیت دولت جدید (دولت آقای رجایی) تا چه اندازه است» میگوید: «اگر مسئله کروگانها حل شود، شانس مختصری برای موفقیت دارد و اگر نه به هیچ جا نخواهد رسید.» در این مصاحبه بساز قطب زاده اتهامات ناروا و بی اساس خود را نسبت به اتحاد شوروی و حزب توده ایران تکرار کرده است. امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در

آیت الله دکتور بهشتی: فعالیت گروههای سیاسی در چارچوب قانون اساسی از آثار شرائط عادی زندگی اجتماعی است

در صفحه ۸

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

آزادی آری، توطئه هرگز!

حجت الاسلام محمد تقی طباطبائی، حاکم شرع دادگاههای انقلاب خوزستان، در مصاحبه با خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی، در مقابل سؤال خبرنگار که، نحوه عمل دادگاههای انقلاب خوزستان در برابر گروههای منحرف چیست، چنین پاسخ میدهد: «در مقابل رفتار خصمانه گروه های سیاسی در منطقه شدیداً عمل میکنیم و اگر از مقررات تعدی کنند مورد مواخذه قرار میگیرند و اصولاً گروه غیر گروه مطرح نیست، بلکه اچاقاف به مردم و تعرض به امنیت و سلب آسایش مردم از جانب هر کس باشد شدت محکوم است. آزادی آری، توطئه هرگز!» آنچه در نظر حاکم شرع دادگاههای انقلاب خوزستان جرم بشمار میرود، عبارتست از: «رفتار خصمانه گروههای سیاسی، تعدی از مقررات، تعرض به امنیت و سلب آسایش مردم.» برای حاکم شرع، که بر مسند والای قضائیت، «اصولاً گروه و غیر گروه مطرح نیست» او از قانون نامدون تمام انقلابات جهان پیروی می کند که، هیچکس نباید بتواند از آزادی برای توطئه سوء استفاده کند.

هر انقلابی، هر جنبشی که مرز آزادی و توطئه را بدرستی تشخیص ندهد، آزادی را بعنوان جلوگیری از توطئه از مردم بگیرد و یا دست توطئه گران را بنام آزادی باز بگذارد، بیشک بسا شکست روبرو خواهد شد. یکی از بزرگترین علل شکست جنبش ملی شدن نفت همین نشناختن مرز بین آزادی و توطئه بود. حکومت مسدود در عین حال که امکان فعالیت علنی به حزب توده ایران، متشکل ترین و بزرگترین نیروی انقلابی آن زمان، نمیداد، دست توطئه گران را بطور عمده باز گذاشته بود، یعنی در عمل سنگ انقلاب را بسته بقیه در صفحه ۸

حجت الاسلام حسین نوری:

مهمترین وظیفه سفارتخانه‌های ما، شناساندن انقلاب اسلامی ایران و پاسخگویی علیه تبلیغات سوء است

بجز معدودی، سفارتخانه‌های ما پاسخ تبلیغات امپریالیسم و صهیونیسم را نمی‌دهند.

سفارتخانه‌های ایران در خارج باید پیام‌آور انقلاب خدا مبرریایی و حنی ما برای افکار عمومی جهان باشند. باید امواج تبلیغاتی زهر آلود پنگاهای عظیم تبلیغاتی امپریالیسم را نرهم گویند و حقایق انقلاب ما را به گوش جهانیان برسانند و سرانجام باید دسیسه‌های امپریالیسم جهانی به سرزدگی امپریالیسم چابک را، برای حلصا فتنی شدن و توسعه‌های رنکارنگ آن را پیدرتنگ به اطلاع مردم فبرهن ما برسانند و...

اینجا مطالبی است که تازه گفته شده باشد. این مطالب را بارها و بارها در شماره‌های مختلف نامه «مردم» گفته‌ایم و بر آنها تأکید کرده‌ایم، و نه تنها ما، بلکه تمامی نیروهای انقلابی و بخصوص رهبر انقلاب امام خمینی، بر آن تأکید فراوان کرده‌اند. ما به همراه سایر نیروهای انقلابی، که با تکرانی شاهد وضع آشفته و غیرانقلابی سفارتخانه‌های ایران در خارج، ز نور موجه بوده‌ایم و هستیم، بارها لزوم پاسازی و تمقیه عنصر عدالتی از درون این مکانها را یادآور شده‌ایم. اما در جواب تمامی این تکیدها و تصریحات، صادق صبراده وزیر امور خارجه، به ما و سایر نیروهای راستین انقلابی نرسا فتنه و انهام زده است.

در ارتباط با وضع سفارتخانه‌های ایران در کشورهای خارجی، از جنب امام حینی نماینده‌ای به این کشورها اعزام شد. حجت الاسلام حسین نوری، بعنوان نماینده امام، در اروپا، پس از چندین مسافرت به کشورهای مختلف، اخیراً به رورومه جمهوری اسلامی مصحبه‌ای انجام داده است. در این مصاحبه، وی گوشه‌هایی از وضع سفارتخانه‌ها را بازگو می‌کند، به صراحت می‌توان صحت تمام هشدارها و تذکراتی را که در این مورد تاد دود داده شده بود، مشاهده کرد.

حجت الاسلام نوری در اشاره به مشکلات سفارتخانه‌های ما از جمله گفت: «... آنها که باید پاسخ دستگاہهای تبلیغاتی را که همه در اختیار صهیونیسم و امپریالیسم است و علی‌الذوام علیه انقلاب شکوهند اسلامی ایران تبلیغات میکنند، بدهد جز معدودی به این وظیفه خطیر اقدام نکرده و حساسیتی در مقابل این سيل عظیم تبلیغاتی از خود اصلا نشان نمی‌دهند...»

نسبت به برکناری افراد ضد انقلاب در سفارتها و کسولگریهای ایران در خارج از کشور کسراً تذکر داده‌ایم، ولی متأسفانه یسا ترتیباً ترتیب داده‌اند یا آن افراد را از يك سفارتخانه به سفارتخانه دیگر منتقل کرده‌اند و یا آنها را به داخل کشور خوانده و به آنها پست داده‌اند که گاهی از لحاظ رتبه از پست سابق هم بهتر است. امیر انظام یا اینکه در ایران چند ماه است که در بازداشت پسر میرد، هشرش هنوز هم در زندان استکلم در سوند سکونت دارد.

علاوه بر سفارتخانه‌ها، کسولگریها، ساختمانهایی به نام خانه فرهنگی ایران در خارج کشور، باتمام تشریفاتی که دارد یا بلا استفاده مانده است و یا در خلاف جهت انقلاب اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است.

نمایندگان ایران در یونسکو که واحد فرهنگی و آموزشی سازمان ملل، و مقر آن در پاریس است، همان اراد سابقه که از همکاران اشرف می‌باشند که نه تنها نسبت به انقلاب اسلامی ایران علاقه‌ای ندارند، بلکه عملاً با آن مخالف بوده و علیه آن فعالیت می‌کنند.

حجت الاسلام نوری در قسمتی دیگر از مصاحبه خود، در پاسخ سؤال خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی که پرسید: «با توجه به سخنان امام در باره وضع سفارتخانه‌های ایران در خارج و تعیین هیئتی از طرف مجلس شورای اسلامی برای بررسی وضع

اعترافات تکان دهنده

در محاکمه عاملین فاجعه سینما کس آبادان

یکی از مامورین آتش نشانی گفت:

«وقتی دود از سینما خارج شد، متوجه شدم که بیشتر اجساد در مقابل راهروی خروجی و در خروجی رویهم انباشته و سوخته‌اند، و این امر می‌رساند که تماشاچیان چه جنب و جوشی برای خروج از سینما داشتند.»

نخستین جلسه دادگاه ویژه رسیدگی به فاجعه سینما کس آبادان صبح روز دوشنبه ۵۹، ۶، ۴، سا شرکت صدها تن از نمایندگان آتش فاجعه، در سالن سینما نفت آبادان، به ریاست حجت الاسلام موسوی تبریزی تشکیل شد. در این دادگاه به جرائم ۴۴ نفر از متهمین، که ۷ نفر از آنها فراری و غاب هستند، رسیدگی خواهد شد.

در جلسه روز دوشنبه متن کیفرخواست متهم ردیف اول و دوم و دو متهم دیگر قرائت شد. در قسمتی از متن کیفرخواست حسین تکبلی - زاده، متهم ردیف اول این فاجعه، آمده است:

«برابر ادله، شواهد، مدارک و اسناد بدست آمده، آتش سوزی سینما رکس آبادان تصادفی و غیر عمدی نبوده، بلکه رژیم گذشته و عوامل سرسپرده آن رژیم و مقامات محلی وقت با تسهلات کبلی و توپله حساب شده قصد لوث ساختن حرکت انقلابی مردم مسلمان و نیز با آتش زدن سینما رکس قصد بهره برداری تبلیغاتی علیه مردم مسلمان و روحانیت مبارز را داشت.»

در قسمتی دیگر از این کیفرخواست، بر اساس اعترافات صریح متهم آمده است:

«وی با تفاق سه تن از دوستانش به وسیله «تینر» آفته بسواد روغنی، سینما را بطور کمر بندی به آتش کشیده و نهایتاً منجر به آتش سوزی صدها تن از مردم بیگناه شده، که سه نفر اخیر نیز در آتش سوزی جان می‌سپارند و حسین تکبلی زاده موفق به خروج از سینما می‌شود و خود را از انتظار پنهان می‌کند. وی پس از دستگیری ابتدا عطایی خلاف واقع و متقاضی اظهار می‌دارد و در تاریخ ۵۷، ۱۰، ۲۰، ۴ تاریخ ۵۷، ۱۱، ۲۳ از زندان خارج، ولی متعاقباً دستگیر می‌شود. وی در مراحل بازجویی به آتش زدن سینما رکس اعتراف می‌کند.»

در این جلسه حسین تکبلی زاده، به آتیا رفته و صحبت کنم و برای نمایندگان مردم مطالب را تشریح کند... خلاصه الان باید کار عملی صورت بگیرد.

و بایسد هیئتی جهت فروش رزیدانسها عازم خارج شود و از پول فروش آنها که به میلیاردها میرسد به نفع مستضعفین مصرف شود و هیئتی دیگر جهت اصلاح سفارتخانه‌ها و کسولگریها اعزام شود.

حجت الاسلام نوری در پایان مصاحبه خود در پاسخ سؤال مبنی بر اینکه: «بسیاری از کشورهای اروپایی به مکانهایی جهت توطئه علیه انقلاب اسلامی ایران و محل اجتماع افراد طاغونی و ساواکیهای فراری شده‌اند. آیا شما شخصاً طرحی برای خنثی سازی این برنامه‌ها در نظر دارید؟» چنین پاسخ داد: «متقدیم این است که اول باید سفارتخانه‌ها و کسولگریها را درست

در اجتماع کارگران صنعت چاپ: ما کارگران بازوی انقلاب هستیم!

گوش مسئولان مملکت برسانیم. بیای از کارگران حریفین کت: «ما با تعداد کم و عدم هماهنگی نمی‌توانیم حق خود را بگیریم. ما باید تشکل داشته باشیم، اگر تشکل شدیم، میتوانیم حق خود را از سرمایه‌داران بگیریم. آقای وزیر کسار میگوید: «سرمایه‌دار برادر کارگر است.» ما می‌گوییم سرمایه‌دار برادر ما نیست، سرمایه‌دار دشمن ماست. ما در اثر اتحاد می‌توانیم حق خود را از این دشمن بگیریم. ما باید در اثر اتحادی که خود بر سریم، خلا موقع راهیسانی نیست ما زعمانی راهیسانی می‌کنیم که راه پیمانی به سرور ما و کشور ما شود و بتوانیم در اثر اتحاد شکل یافته به حق خود دست یابیم.»

کدرگیری از جاب است اظهار داشت: «زمانی که ماده ۴۴ قانون کار بقوت خود باقی میماند و سود ویژه، که حق مسلم ما کارگران است، لغو می‌شود، مسئولان وزارت کار انواع برجس به ما می‌زنند و این در زمانی است که امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس برای درهم کوبیدن انقلاب ما نیرویاده کرده است. به ما هر برجسی که می‌خواهید، بزنید، ما کارگران بازوی انقلاب هستیم و حق خود را می‌خواهیم.»

همه کارگران حاضر با کف زدن مداوم، اظهارات وی را نالید کردند. نامرید سس افزود: «این ما کارگران بودیم که در انقلاب شرکت داشتیم، بروید آمار کشته‌شدگان را ببینید و نگاه کنید چند نفر از بالا دستها در انقلاب کشته شدند. این ما کارگران هستیم که برای رسیدن به حق خود همیشه کشته‌دادیم. ما حق خود را می‌خواهیم. این خواست بحق ماست.»

پس از آن چندین دیگر کارگران نیز سخنانی گفتند. آنگاه قطعنامه قرائت شد که در شماره «۱۷» نامه «مردم» انتشار یافت.

در حاشیه اجتماع کارگران صنعت چاپ

پس از شروع مراسم، تعدادی دختر، که بیشتر در صف چپ‌ها و چپبای افراطی مشاهده می‌شدند، پس از اطلاع از عدم برگزاری راهپیمایی، سعی داشتند کارگران را تحریک کنند تا به راهپیمایی بپردازند. اما یکی از کارگران بعنوان اعتراض به دختران محرک و تشنج آفرین گفت: «ما کارگران خود میدانیم چگونه باید حقمان را بگیریم و احتیاج به قیم نداریم.» کارگران مانع از ورود آنها که قصد برهزدن اجتماع سالم کارگران را داشتند، به داخل خانه کارگر شدند. پس از پایان مراسم، حدود ۱۰ نفر از افراد معلوم الحال تحت عنوان «حزب‌الهی» در بیرون محل «خانه کارگر» اجتماع کردند و قصد درگیری و ایجاد تشنج داشتند، که با دخالت افراد سپاه پاسداران و ماموران انتظامی از محل اجتماع کارگران صنعت چاپ دور شدند.

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

اگر در سفارتخانه‌ها و کسولگریهای ما افراد مکتبی و متعدد و مسئول باشند، آنها مهمترین بلکه سرلوحه کارهای خود را شناساندن انقلاب اسلامی ایران و پاسخگویی علیه تبلیغات سوء قرار خواهند داد. و آنها باید در هر کنوری به زبان همان کشور مجلاتی داشته باشند و در آن ضمن شناسایی انقلاب اسلامی به تحریفات و دروغبها و تهمتها پاسخ گفته شود. پس بنابر این بهترین راه در برابر کسانی که خارج از کشور علیه انقلاب فعالیت میکنند این است که سفارتخانه‌ها پاسخگویی آنان باشند و ما در انتظار آن هستیم که وزیر امور خارجه همین شود و آنوقت ایشان این مشکلات را رفع نمایند و متشاء وزارت امور خارجه است که تا از آنجا اقدامی صورت نگیرد، سفارتخانه‌ها و کسولگریهای ما درست نخواهد شد.

بدنبال انقلاب شکوهمند ایران، رادیو تلویزیون نیز همانند سایر ارگانها از دست رژیم دست‌نشانده شاه سابق خارج شد و در اختیار نیروهای انقلاب قرار گرفت. رادیو تلویزیون، که یکی از مهم‌ترین ارگان‌های تبلیغاتی، خبری و آموزشی در تمام دنیا محسوب می‌شود، در زمان رژیم مغرور سابق وظیفه داشت تا با برده‌پوشی جنایات، خیانت‌ها و وابستگی‌های آن رژیم، با مشروع جلوه‌دادن وابستگی‌های عظیم و دهشتناک اقتصادی، سیاسی و نظامی ایران به امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و سرانجام با تزیین فرهنگ استعماری و تنگین امپریالیستی برجسته‌مکتب‌کننده و زجر دیده‌ها، چهره کریه و ضدانسانی رژیم اعدا و شکنجه را تزیین کند و امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امریکای جهان‌خوار، را دوسان "دلسوز و فداکار" مردم ما جلوه دهد. این دستگاه عظیم تبلیغاتی، یکی از نقاط اتکاء رژیم شاه سابق برای ادامه سلطه جهنمی و غیر-انسانیش بر توده‌های میلیونی مردم ایران بود. این مطلب وقتی بهتر درک می‌شود که بدانیم ۷۰٪ از جمعیت کشور ما بیسوادند و تنها از طریق رادیو و تلویزیون در جریان امور کشور قرار می‌گیرند، و اگر این ارگان در خدمت امپریالیسم باشد و دنیا را از چشم آنان به نمایش گذارد، طبیعی است که اثر تخریبی عظیمی بر اذهان توده‌های خلق باقی خواهد گذاشت.

انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران راه را برای قطع وابستگی‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی به امپریالیسم گشود. این انقلاب بر نیروهای مردمی فرصت این را داد که از این ارگان مهم تبلیغاتی در جهت عمده کردن پیوندهای وابستگی استفاده کنند.

از همان ابتدا صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران وظایفی بس مهم و اساسی در برابر خود داشت. این ارگان می‌بایست به طور سریع و قاطع به سود تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب، در جهت افشای عق جنایت و رذالت رژیم مغرور گذشته و تجهیز مردم علیه هرگونه کرایش برای بازگرداندن شرایط پیشین جهت‌گیری می‌کرد. باید به طور قاطع عمق وابستگی‌های رژیم گذشته به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، را برای مردم انقلابی و رزمنده‌ها بازگو می‌کرد، جنایات عظیم و ضد بشری دستگاه خفان و ظلم رژیم، یعنی ساواک را با تمام ابعادش در جلوی چشمان جستجوگر و کنج‌گاو انقلابیون دلیر ایرانی قرار می‌داد و خلق را به هوشیاری و نبرد با بقایای دوران سیاه گذشته فرامی‌خواند. باید با سمت‌گیری قاطع بسود زحمتکشان، کارگران و دهقانان نیازهای مبرم وجدی آنان را مطرح می‌ساخت و مسئولین مملکتی را برای رفع آنها و در نتیجه برخورداری از حمایت این گردانهای رزمنده انقلابی فرامی‌خواند. و سرانجام صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران می‌بایست خود را برکنار از درگیری‌ها و کشمکش‌های گروهی و حزبی نگاه می‌داشت و بیطرفی را به طور کامل مراعات می‌کرد. بیطرفی که معنایش نه میدان دادن به اندیشه‌های سازشکارانه لیبرالیستی، نه به معنای ترویج افکار منحط و انحرافی گروهکهای ریز و درشت آمریکایی و نه به معنای ماشاات با ضدانقلابیون "چپ" و راست در سطح مملکت، بلکه به معنای میدان دادن به تمام نیروهای ضد امپریالیسم و ترقیخواه، بدون هیچگونه تمایزی، برای تبلیغ و روشنگری هرچه گسترده‌تر علیه امپریالیسم و دشمنان انقلاب ایران، که در راس آنها شیطان بزرگ، امریکای جهان‌خوار قرار دارد، بوده و هست.

متأسفانه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران تاکنون به این وظایف خود به طور کامل و همه‌جانبه عمل نکرده است. مادر این مورد تا به حال طی مقالاتی نظرات و پیشنهادهای خود را بطور مشروح بیان کرده‌ایم (نامه "مردم" شماره‌های ۲۳۷ و ۲۳۹) لیکن اکنون، باتوجه به انتخاب دولت جدید انقلاب و باتوجه به نتقادات بسیاری که از سوی تمامی ارگانها و شخصیت‌های انقلابی به این ارگان خبری، بلیغی و آموزشی می‌شود، لازم می‌دانیم که مورد بعضی از نکاتی که ذکر کرده ایم، توضیحات بیشتری بدهیم.

همانطور که اشاره کردیم، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران باید با حفظ بیطرفی قلابی در میان تمامی نیروها، گروهها، و ازمنها و احزاب سیاسی موجود، با تمام نیرو و آن خود (که کم هم نیست) به دفاع از انقلاب د امپریالیستی و خلقی ایران بپردازد و توده‌ها هرچه بیشتر به هوشیاری و آمادگی در مقابلها بسیمه‌های شیطان بزرگ امریکا و متحدینش علیه قلاب ایران، فراخواند. در این میان وظایف ن ارگان حساس چنین است:

- تعمیق مبارزه ضد امپریالیستی مردم- افشای

نایات امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا در

صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به مثابه آئینه تمام نمای انقلاب ضد امپریالیستی ایران موظف است که با افشای جنایات امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا در میهنمان، باروشن کردن سلطه تمام عیار انحصارات امپریالیستی در طول دوران حکومت رژیم شاه سابق و سرانجام با بررسی همه‌جانبه اشکال غارتگری‌های امپریالیسم در کشورمان، توده‌ها را هرچه بیشتر و وسیعتر با ماهیت این غول تجاوز و غارت آشنا کند.

امپریالیسم آمریکا پس از پیروزی انقلاب ایران، با تمام قوای اهریمنی خود و با استفاده از تمامی دستگاههای تبلیغاتی، نظامی و سیاسی به توطئه و تخریب علیه انقلاب ایران پرداخته است. از یکسو ایران را به محاصره اقتصادی درآورده، ناوگان خود را به کرانه‌های خلیج فارس می‌فرستد و مزدوران داخلی و خارجی خود را برای هجوم نظامی به کشورمان بسیج می‌کند و از سویی دستگاه‌های عظیم تبلیغاتی خود را به نبرد با انقلاب خلقی ما می‌فرستد.

روزنامه جمهوری اسلامی در مقاله‌ای به تاریخ یکشنبه ۱۹ مرداد، پیرامون نقش رادیو تلویزیون در مورد استفاده امپریالیسم از دستگاههای تبلیغاتی عظیم می‌نویسد:

"... اکنون امپریالیسم و صهیونیسم- ایستگاه‌های رادیو تلویزیونی و حتی شبکه‌های قاره‌ای برای ارسال پیامها و تبلیغات در اختیار دارند. شبکه‌های مختلف رادیو تلویزیونی امپریالیستی سرسراسر آمریکا، اروپا، و کشورهای وابسته آمریکا را در آسیا و آفریقا زیر پوشش خود دارند... تشکیل اتحادیه‌های مختلف خبری از جمله هدفهای امپریالیسم است. اگر بخاطر داشته باشیم، جعفریان معدوم ثورسین رژیم منحوس پهلوی... مسافرت‌هایی به کشورهای خلیج فارس می‌نمود تا قراردادهای دوطرفه درباره مبادله اخبار و اطلاعات منعقد سازد و از آن طریق احساسات و شور انقلابی مردم منطقه را مهار زند..."

غارتگریهای امپریالیسم آمریکا در سطح جهان، با پخش تفسیرهایی از جنایات متعدد و روزافزون دشمن اصلی خلقهای جهان - آمریکا جهان‌خوار و با تبلیغ رهنمود بزرگ امام "تمام سلاحها و قلم‌های خود را به روی شیطان بزرگ - آمریکا نشانه روید"، نیروهای خلق را بسیج کند و به مبارزه با این جهان‌خوار بزرگ و توطئه‌ها و دسایس روزافزون علیه انقلاب بکشد، دست روی دست می‌گذارد، تا در عوض آنها فرصت یابد و تبلیغات روزافزون خود را علیه انقلاب ما اشاعه دهند؟

چرا باید افشای جنایات آمریکا و توطئه‌های مختلف در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران کمترین بخش را در برنامه‌های صدا و سیما انقلاب اسلامی ایران بخود اختصاص می‌دهد؟

این چراها ماهیاست که بر زبان انقلابیون و هواداران راستین انقلاب ایران جاری است. ولی اکنون، در شرایطی که ابعاد وسیع تحریک و توطئه امپریالیسم جنایتکار آمریکا، بخصوص پس از دو توطئه عظیم طیس و ۱۸ تیر، که می‌توانست باقتل عام بیش از ۱۰ میلیون ایرانی انقلابی همراه شود، روشن تراز همیشه در جلو چشمان مردم قرار دارد. اکنون این "جرا"ها اهمیتشان بیشتر و بیشتری شوند و مسئولین را به جوابگویی می‌خوانند.

۲- افشای توطئه‌های مختلف علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

از همان بدو پیروزی انقلاب، امپریالیسم زخم خورده آمریکا با توسل به تمام روشها، خدعه‌ها و نیرنگها، درصدد نابودی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران برآمد. مزدورانش در سراسر منطقه بسیج شدند تا از انجام جمهوری اسلامی ایران جلوگیری کنند و در فرصت مناسب ضربه کاری خود را بر انقلاب وارد آورند. تشکیل دستجات مسلح خرابکار در ایران و خارج از کشور، سازماندهی دوباره عمال فراری ساواک، تشدید ناراضی بین توده‌های مردم، شایعه پراکنی و ایجاد تفرقه

صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران رسالتهای انقلابی خود را ایفا نمیکند

* خط‌مشی حاکم بر این سازمان خط‌مشی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران نیست.

* باید هرچه سریعتر، نحوه اداره این سازمان مشخص و خط‌مشی آن تصحیح شود.

و چنددستی در میان نیروهای انقلابی، ایجاد اختلاف بین ایران انقلابی و دوستان صدیقش در جهان، اعزام جاسوسان و خرابکاران به کشور... از جمله اقدامات امپریالیسم جنایتکار امریکایی بودند. اما در مقابل تمامی این اعمال، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران چه گامهای مثبتی در افشای آنان برداشت؟ چه حجمی از برنامه‌های خبری و تحلیلی این ارگان به افشای عوامل مختلف توطئه و تخریب امپریالیسم اختصاص یافت؟ و اصولاً از برنامه خبری صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران که منابع معتبر خود را همان خبرگزاری‌های امپریالیستی می‌داند، و گزارشهای آنان را عیناً و با رعایت "بیطرفی!" نقل می‌کند، چگونه می‌توان انتظار داشت که در این مسیر قاطعانه قدم بردارد؟

تجاوز طیس و نیز کودتای ۱۸ تیرماه خوبی نشان داد که بی‌توجهی به افشای عوامل وابسته امپریالیسم چگونه می‌تواند فاجعه‌آفرین باشد. ثابت کرد که اگر همچنان به تکرار جعلیات و دروغ‌های بی‌شمار خبرگزاری‌های امپریالیستی درباره اوضاع افغانستان، ویتنام، کامبوجیا و کشورهای سوسیالیستی مشغول شویم و حلقه‌های توطئه را که دم به دم تنگتر می‌شوند، نبینیم، چگونه خواه ناخواه، آگاهانه یا ناآگاهانه جاده صاف کن همان توطئه گران و مزدوران جانی و خیانتکار خواهیم شد. متأسفانه در طی دوران یکسال و ۶ ماه پس از انقلاب مسئولین این ارگان عظیم کمترین کار برداخته‌اند.

خلاصه کنیم: وظیفه افشای توطئه‌های عوامل امپریالیسم، ساواکی‌های فراری، سرمایه‌داران بزرگ وابسته، فئودالهای بزرگ، عوامل خودفروخته امپریالیسم در ارتش و سایر ارگانهای دولتی... یکی از وظایف اساسی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران است. وظیفه‌ای که به حکم انقلاب ضد امپریالیستی ما بردوش مسئولین این ارگان گذاشته شده‌است، وظیفه‌ای که عدم انجام تمام و کمالش، جرمی نابخشودنی در پیشگاه مردم

و تاریخ ایران خواهد بود.

۳- تبلیغ اتحاد تمام نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی ایران

امام خمینی گفتند: "برملت شریف ایران است که در هر مسلکی و یاهرگروهی هستند، از اختلاف و نفاق و گارتگنی برای یکدیگر دست بردارند و دشمنان را با وحدت کلمه درهم‌کوبند و نزاع‌های شخصی و گروهی را... که کشور را به خرابی سوق می‌دهد، کنار بگذارند." امام خمینی گفتند: " همه فریادهای خود را سر آمریکا بکشید."

و امام خمینی گفته‌اند: " همه اقتدار، از هر مسلکی که هستند متحد شوند."

اما پاسخ مسئولین صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به این سخنان روشن امام چه بود؟ بروشنی می‌توانیم بگوئیم که، رادیو تلویزیون کشور ما در دوران پس از انقلاب، نه تنها کوچک‌ترین قدمی در راه اجرای این فرامین روشن امام که ضامن تثبیت و تحکیم گسترش دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران است، برداشت، بلکه به طرق گوناگون در راه نضج چنین وحدت و یگانگی در بین نیروهای انقلابی میهن ما کارشکنی کرد.

همه به خاطر داریم که در اوج افشای جریان کودتای ضد انقلابی ۱۸ تیر، از صدای جمهوری اسلامی ایران تفسیرهایی منحرف کننده و خصومت آمیزی درباره اکثریت سازمان‌چریکهای فدایی خلق و حزب توده ایران بطور وسیع و مرتب پخش و تبلیغ می‌شد. و باز به خاطر داریم که در تفسیرها و تحلیل‌های رادیو تلویزیون چگونه مشی سیاسی درست نیروهای انقلابی سرو دم بریده می‌شود و موجودی عجیب، که حتماً ضد انقلابی هم هست، از درون آنها خلق می‌گردد. ما در تحلیلی که بدان اشاره کردیم، در ۴ ماه پیش نوشتیم که:

"بخشی از گردانندگان، مفسران و خبرسازان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران اصولاً با "اتحاد" مخالفند و نه تنها مخالفند، بلکه با تمام قوا می‌کوشند تا از آن مانع کنند." نوشتیم که: " برای بخشی از برنامه‌سازان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران همه احزاب سازمانها و گروههای مترقی و انقلابی - به جز یک گروه خاص، "خائن"، "وابسته"، "منافق" و "مزدورند" و از اظهار عقیده و شرکت در حیات سیاسی و اجتماعی کشور منوع محسوب می‌شوند. سخن از "اتحاد" که "گف" و "لحاد" به شمار می‌آید."

از آنروز تا بحال، مشی نفاق افکنانه و ضد "اتحاد" نیروهای انقلابی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نه تنها تغییری نکرده، بلکه روز بروز بر شدت آن افزوده شده و رنگ و بوی بیشتری نیز یافته است. کینه ضد توده‌ای و ضد کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران همچنان نقش تعیین‌کننده را در تهیه و پخش برنامه‌های تحلیلی دارند. آیا این سیاست، در شرائط حساس و خطرناک فعلی، شرایطی که طی آن انقلاب ما زیر ضربات پیایی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی شیطان بزرگ قرارداد و تنها اتحاد و همبستگی تمامی نیروهای هوادار انقلاب میتواند این توطئه‌ها را با شکست مواجه سازد و انقلاب را از خطر شکست و نابودی رهایی بخشد، سیاستی صحیح و در راستای انقلاب است؟

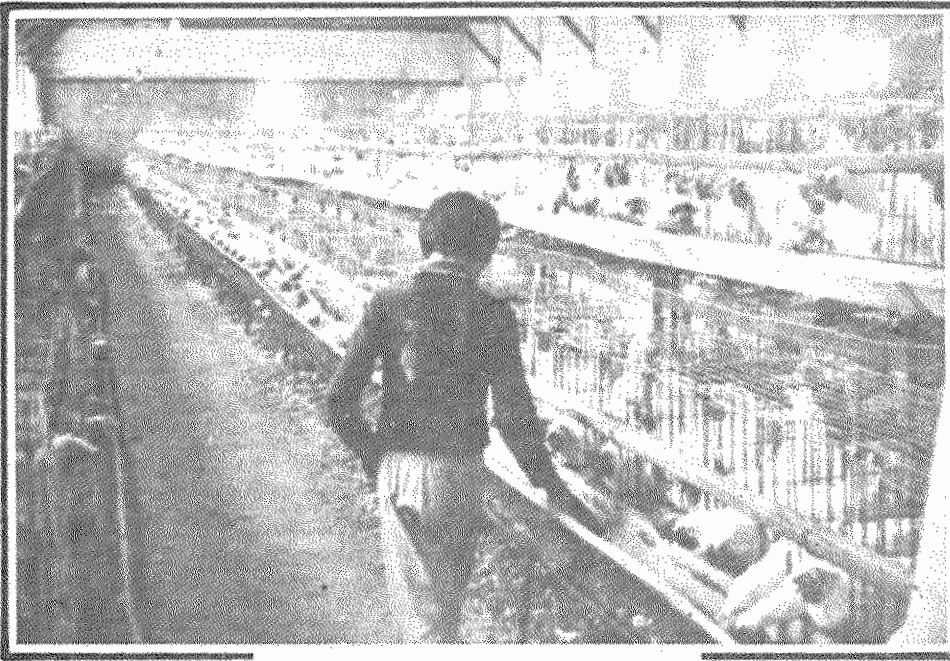
به روشنی دیده می‌شود که، سیاست فعلی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در این جهت نه تنها صحیح نیست بلکه، زیانبخش و خطرناک است. این سیاست بروشنی ضد خط امام است. خطی که مروج اتحاد و همبستگی است و هرگونه نفاق و چنددستی را در مقابل یورشهای دیوانه‌وار امپریالیسم آمریکا و مزدورانش نفی می‌کند و به حال انقلاب مضر می‌شاند.

امام تاکنون بطور مکرر از سیاست رادیو و تلویزیون انتقاد کرده و خواهان اصلاح آن شده‌اند. امام بارها به مسئله تصفیه عناصر "طرفدار شاه" و "منحرف" از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده‌اند و آن را شرطی دانسته‌اند برای اینکه "ما بار دیگر شاهد رادیو تلویزیون زمان شاه مخلوع نگردیم..."

و برآستی یکی از عللی که باعث شد تا خط مشی درست و منطبق بر انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما بر صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران حاکم نشود، وجود طاغوتیان و وابستگان سابق در آن بود. به برکت وجود این وابستگان بود که مرتب تحلیلهای "سازشانه" و "تفرقه افکنانه" از این ارگان مهم تبلیغاتی به گوش مردم می‌رفت. به برکت وجود این مزدوران بود که صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران از سیر انقلاب عقب می‌افتاد و در مواردی حتی جلوی رشد آنرا سد می‌کرد. و سرانجام از جمله به برکت وجود

کار طاقت فرسای کارگران مرغداری

مسائل کارگری



برای انجام امور هر یک از سالنها، که هر کدام تقریباً بین ۱۸ تا ۱۲ هزار مرغ در آن پرورش داده می‌شود، فقط یک کارگر مسئول است. وظیفه‌دانه دادن (۴ بار در روز) تمیز کردن و... نیز بدوش آنان است.

به کارگران مرغداری حتی روپوش کار هم نمی‌دهند!

در آسیاب این مرغداری، تنها یک کارگر افغانی کار می‌کند. او به ما گفت: «کارم اینجا خیلی سخت است. به تنهایی در حدود ۶ تن در روز ذرت آسیاب میکنم. مزد مرا هم کترانی میگیرم، یعنی در ازای هر سه تن آرد، ۴۵ تومان.»

کارگران افغانی حتی از امکانات کمتری نسبت به ایرانیان برخوردارند. مثلاً هر ۵ تا ۵ نفر آنان در یک اتاق ۳×۴، بدون هیچگونه روزنه‌ای به بیرون زندگی میکنند و از آنجا که کارگر وقت و خارجی هستند، هیچگونه مزایای یسه، حق خواربار و... به آنان تعلق نمی‌گیرد.

در مرغداری دیگری بنام «گلپور» با تنها کارگر آسیاب، که بزرگتری ۶۰ ساله بنظر می‌رسید و یکی از چشمانش را از دست داده بود، صحبت کردیم. او که لباس زنده‌ای به تن داشت و سر و صورتش را گرد ذرت پوشانده بود، گفت:

«احمد زاده آدم نام دارم. روزی ۶۰ تونان باید ۱۰ ساعت کار حقوق می‌گیرم. روزانه حدود ۸ تن ذرت آسیاب میکنم. حتی یک نفر هم به من کمک نمیکند. لباس کار هم به ما نمیدهند. بعد از اینهمه مدت کارگری، حتی یسه هم نیست. اصلاً دهنم نیست وضع مرغداری به کجا مربوط میشود؟! هیچکدام از قوانین وزارت کار در مورد ما اجراء نشده است. ما حتی نمیتوانیم میوه بخوریم. غذای ما را بیشتر عاست و خیار و نان خالی تشکیل میدهد. من و ۵ بچه‌ام ناچاریم در اتاقک کوچکی که در این محیط کثیف به ما داده‌اند، زندگی کنیم. ما کارگران، می‌باید لاف‌لایق یک فروشگاه تعاونی برای خرید مایحتاج خرد داشته باشیم. ولی هنوز که هنوز است، وضع ما فرقی نکرده است.»

در هر سالن این مرغداری، حدود ۱۴ هزار مرغ نگهداری میشود، که دو یا سه نفر در آن کار میکنند. اکثر کارگران اینجا بنگلادشی هستند. تنها حدود ۵ ایرانی در اینجا مشغول به کار هستند. خانه‌های آنها از اتاقکهای کوچکی تشکیل شده، که تمام دیوارهای آنها را دود چرغهای خوراکی سیاه کرده است. بچه‌های کارگران، در همان محیط کثیف مسرغداری، مشغول بازی‌اند. تنها یک حمام در آنجا وجود دارد، که آنهم وضع بهتری نسبت به اتاقکها ندارد.

با اینکه برای هر سالن ۳ تا ۴ کولر برای خنک کردن هوا کار گذاشته‌اند، لکن خود کارگران از این عزیزت بر بهره‌اند.

کارگر دیگری بنام شیرزاد، اهل کرمانشاه، چلو آمد و گفت:

«ما حتی مجبوریم چمه‌ها را نیز کار کنیم. در واقع ما در سال، اصلاً تعطیلی نداریم. با اینحال، اضافه کار به ما تعلق نمی‌گیرد. اینجا وضع مرغها از کارگران خیلی

کارخانه‌های تولید تخم مرغ، در کرج و اطراف آن دیده میشوند. بطور کلی مرغداریها، در دو سیستم تولید میکنند: (۱) دستی، (۲) اتوماتیک (یشی از چند سالی از اتوماتیک شدن آنها نینگذرد).

در حدود ۱۰ تا ۱۵ مرغداری (مستقر) در کوهک، واقع در کیلومتر ۳۰ جاده کرج قرار دارند. در مردآباد کرج (شاهنش) و آیک (جاده قزوین) و جاده ورامین نیز، بقیه مرغداریهای تهران قرار دارند.

کارگران مرغداری، در مقایسه با سایر کارگران، از دستمزد کمتری برخوردارند و هیچیک از قوانین وزارت کار در مورد آنان اجراء نمیشود. سختی کار و زندگی در محیطی کثیف و غیربهداشتی بنام مرغداری، باعث گشته که کارگران ایرانی کمتر به این کار تن دهند و با بطور موقت به کار مرغداری بپردازند.

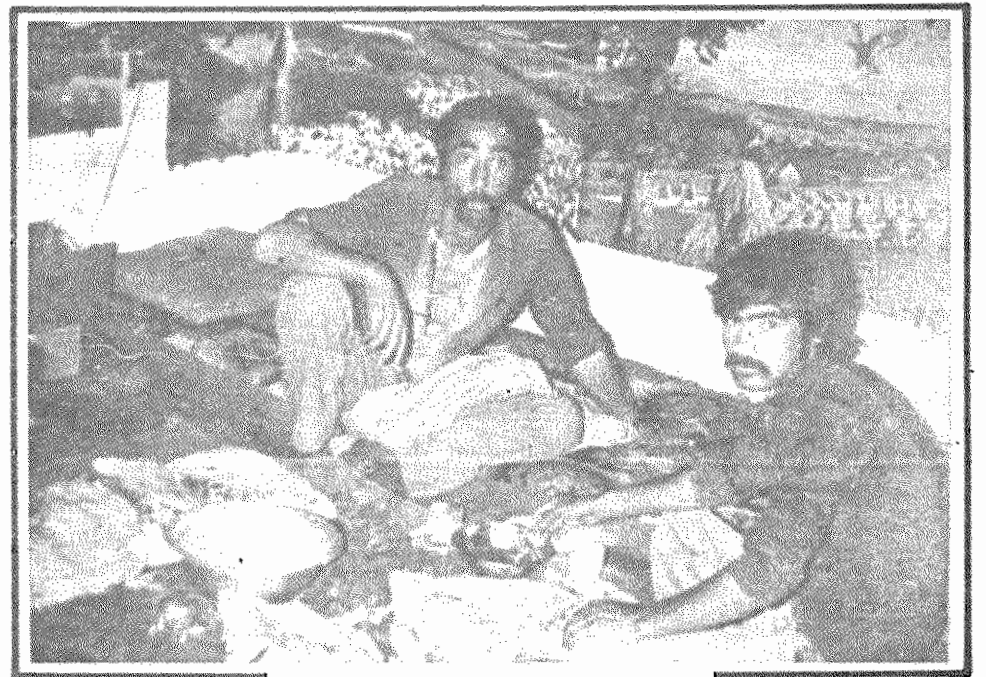
ترکیب کارگران را، افغانی، بنگلادشی و ایرانی تشکیل میدهند، که اکثریت با کارگران خارجی است و این خود زمینه مساعدی است که کارفرما با استفاده از آن میتواند در ازای کار بیشتر، مزد کمتری پرداخت کند و همچنین با ایجاد تفرقه میان کارگران، امکان هرگونه اعتراضی را از آنان سلب کند.

برای صحبت با کارگران، وارد مرغداری «کرمانی» واقع در کوهک شدیم. در برخورد اول، مکانی آلوده از فضولات مرغها یا بویی غیرقابل تحمل، توجه را جلب می‌کند. مگسها همه‌جا روی کفشات پیچش می‌خورند، بطوری که وجود مگسها برای کارگران دیگر عادی شده است.

۱۵ نفر در این مرغداری کار میکنند، که ۷ نفر آنان ایرانی و بقیه افغانی هستند. تا آنجا که اطلاع پیدا کردیم، همگی ماهانه ۱۷۰۰ تومان مزد میگیرند. ساعت کار آنان بدین شرح است: ۵ صبح کارگران برای ریختن دانه بیدار میشوند. از ۵ تا ۸ ظهر کار میکنند. از ظهر تا ۴ بعد از ظهر استراحت دارند، بعد از آنهم تا ساعت ۵ بعد از ظهر کاری کنند. یعنی بطور کلی ۵ صبح کارشان آغاز میشود و ۵ بعد از ظهر پایان می‌یابد.

کارگر ۱۵ ساله‌ای که اندام نحیف و صورت رنگ بریده‌ای داشت، شروع به صحبت کرد:

«اهل زنجان هستم. در آنجا کار نبود و من مجبور شدم اینجا یا ماهی ۱۷۰۰ تومان به کار مشغول شوم. اینجا وضعمان خیلی بد است. هر بار که مریض شوم، باید خودمان پول دوا و دکتر را بدهیم. در هوای کثیف مرغداری بیشتر کارگران، بعد از مدتی دچار سرگیجه و حالت تهوع میشوند. من خودم تا به حال ۳ بار مریض شده‌ام. غذای درست و حسابی هم که نمی‌خوریم. مثلاً اکثراً برای ناهار، من نوشابه و نان میخورم. با اینکه تعطیلات را هم اینجا کار میکنم، باز هم درآمد چندانی ندارم. بخصوص اینکه مجبورم برای پدر و مادرم هم پول بفرستم. اینجا حتی پول ناهار هم با خودمان است.»



دوتن از کارگران افغانی در هر یک از این اتاقکهای کثیف حدود ۴ تا ۶ افغانی بسمی برتند. آنها با مزد کمتر کار بیشتر می‌کنند و چون خارجی هستند، بیمه و سایر مزایا به آنان تعلق نمی‌گیرد.

بتر است! کمی پایین تر از این محل، وارد مرغداری بزرگتری شدیم، که شامل دو قسمت بسود: (۱) جوجه‌کشی (۲) مرغداری

حدود ۱۰ تا ۱۴ کارگر افغانی در اینجا کار میکنند. با چند تن از کارگران جوجه‌کشی که صحبت کردیم، مکشفتند تا به حال به چند جا مراجعه کرده‌اند، تا به شکایاتشان در مورد کارفرما و وضع کار رسیدگی کنند. به وزارت کار رفته‌اند. مسئولین آنجا گفته‌اند که هنوز وضع کارگران کشاورزی مشخص نشده است. به کمیته هم که می‌روند، به حرف کارگران گوش نمیدهند. در واقع کارفرمای این مرغداری، به گفته کارگرها، قانون سرش نیست.

عیسی سارانی، نماینده کارگران جوجه‌کشی گفت: «تمام این وزارتخانه‌ها را گشتم، اما به مشکلات کارگران رسیدگی نشد. تا به حال هر کاری کرده باشند برای کارگران نبوده است. بعد از انقلاب، چند نفر برای رسیدگی به وضع ما به اینجا آمدند، که کارفرما جلوی این کار را گرفت. او بعد از انقلاب تعداد زیادی از کارگران ایرانی را اخراج کرده است. در حال حاضر، ۶ نفر ایرانی، اینجا به کار مشغولند. ساعات کار ما ۱۴ ساعت در روز است. بعد از ماه رمضان بر آن هم افزوده گشته است.»

یکی دیگر از کارگران، یانداشتی به ما داد که خواستهای آنان به این شرح روی آن نوشته شده بود:

- ۱- حقوق روزانه طبق قانون جدید کار،
- ۲- اضافه کاری طبق قانون جدید کار،
- ۳- حق مزایا و حق خواربار،
- ۴- سهمیه کارگران در سود کارخانه،
- ۵- تعیین ساعات کار کارگران،
- ۶- استخدام رسمی کلیه کارگران،
- ۷- حق مسکن،
- ۸- ایجاد وسیله نقلیه (سرویس رفت و آمد) برای کارگران.

این مرغداری، نسبت به سایر مرغداریها وضع بهتری داشت. تنها حمام آن، اتاقک متروک و پر از دوده‌های بوده که آب آن با آتشی هیزم گرم می‌شد. اتاقکهای کارگران بیشتر به دهنه شبیه بود تا به محل زندگی، و برآستی هم که مرغها از امکانات رفاهی بیشتری برخوردار بودند. در تمام روز بهر خانواده ۵ تخم مرغ از میان تخم مرغهای ناسالم تعلق می‌گیرد. سایر احتیاجات را خود کارگران باید تأمین کنند. به علت وجود کارگران خارجی، هرچگونه سندیکا و یا شورایی جهت رسیدگی به مشکلات کارگران وجود ندارد.

یکی از کارگران گفت: «به ما گفته‌اند که به کارگران کشاورزی یسه درمانی تعلق نمی‌گیرد، بلکه باید شما یسه روستایی باشید و با این وجود هنوز ما یسه نیستیم. همچنین برای کار در این جوجه‌کشی باید همه کارگران، دستکش داشته باشند. در حالیکه برای ۱۰ تا ۱۵ کارگر اینجا، فقط یک جفت

می‌ننداختند و ما نفع اتحاد ما می‌شدند. اما اکنون ما توانستیم با اتحادمان این شرکت را درست کنیم. دانشمندان تاکسی همگی متفقاً لقولند که داشتن شرکت تعاونی برای آنها منافعی در بر دارد، از جمله:

- ۱- ارزان خریدن وسایل ماشین و کوتاه کردن دست واسطه‌ها
- ۲- با خبر بودن از حال یکدیگر و داشتن اتحاد

تاکسیرانان هیئت مدیره و مدیر عامل

دستکش وجود دارد. طبق قانون جدید کار، باید روزی ۶۳۵ ریال با حق اولاد و مسکن و... به ما بدهد. در حالیکه ما روزی ۶۱۷ ریال دریافت میکنیم. با کوچکترین اعتراضی، کارفرما کارگر را اخراج کرده و افغانی یا بنگلادشی استخدام میکند.

در آسیاب این کارخانه ۴ نفر کار میکنند. تنها کارگر ایرانی آن که اسمدالله رحیمی نام داشت، جلو آمد و گفت:

«ما روزانه ۱۴ ساعت کار میکنم. در حالی که طبق قانون کار، باید روزی ۸ ساعت کار کنیم. به ما می‌گویند مسائل شما به وزارت کار مربوط نمیشود. کارفرما میگوید: «همین است که هست، دولت می‌خواهد کار کن، راضی نیستی برو!»

ما شش نفر در یک اتاق زندگی می‌کنیم. به هر گوشه‌ای که نگاه کنید، یک مشکلی داریم. ما از دولت انتظار داریم که ما را از این بدبختی نجات دهد. لاف‌لایق قانون کار را در مورد ما به اجراء بگذارند.»

با چند کارگر، که در کارخانه‌های اتوماتیک کار می‌کردند، به گفتگو نشستیم. ظاهر کارخانه از سالتهای مدرن تشکیل شده بود، ولیکن در اتاقکهای کوچک آنها، آن، در کنار کفشات محیط، کارگران آن مسرغداری زندگی میکردند.

قاسم جلیلی، یکی از کارگران آنجا، گفت:

«مزد من با حق اولاد ۲۴۰۰ تومان است. نه یسه هتم و نه حق خواربار به ما میدهند. بزرگ کیلویی ۱۹ تومان است و گوشت یخزده هم که تازه‌ها گران شده است! باید روزی ۱۴ ساعت هم کار کنیم. با کوچکترین اعتراضی به ما حمله شدنتانقلاب و تهرشی مینند. وجود کارگران خارجی باعث شده تا اعتراضات ما به جایی نرسد، چرا که آنها با حقوق کمتر هم راضی به کار می‌شوند. باید به کارگران مرغداری از نظر حقوق و یسه رسیدگی شود. هنوز هم مانند گذشته حق ما را پایمال می‌کنند. چرا قانون کار جدید، در مورد ما اجراء نمی‌شود؟! بعد از انقلاب تنها یکبار به حقوق ما اضافه کرده‌اند. آنهم برای هر روز ۱۵ ریال. اضافه کار هم با ما تعلق نمی‌گیرد.»

وضع کارگران، چه در مرغداریهای دستی و چه در کارخانه‌های اتوماتیک، تقریباً یکسان است. هنوز وزارت کار قانون معینی درباره کارگران کشاورزی تدوین نکرده است و کارگران این بخش بویژه مرغداری، در سرگردانی بسر می‌برند. آنها روزانه بین ۱۰ تا ۱۵ ساعت کار می‌کنند و کارفرما با تاکید بر اینکه وضع شما کارگران صنعتی فرق می‌کند، از پرداخت اضافه کار اجازه استفاده از مرخصی به آنان خودداری می‌کند. همچنین کارفرما به راحتی می‌تواند کارگری را اخراج کند. وجود کارگران افغانی، مشکل دیگری است که کارگران ایرانی با آن مواجهند.

در برخوردی که با کارگران داشتیم، حداقل چیز را که می‌خواستند، اجرای قانون کار حتی با نقائصی بود.

وا عضا علی‌البدل را در تاریخ ۲۵۹/۴/۵ انتخاب کردند و گامی را در جهت تشکیل وحدت منف خود برداشتند. رانندگان تاکسی معتقدند که با دیدن شرکتها و تعاونی دیگر شهرها تما س بر - قرار کردند و از این طریق سا زمانی واحد سرتاسری را برای تاکسیرانان به وجود آورد.

لازم به تذکر است که این شرکت تعاونی از طرف دولت به رسمیت شناخته شده است.

شده است. شرکت تعاونی تاکسیرانان نیشابور هنوز با مشکلات فراوانی دست به گریبان است. پرداخت وام و همکاری دولت از خواستههای کنونی این شرکت تعاونی است. تاکسیرانان نیشابور همچنین خواستار بیمه شدن تمام رانندگان تاکسی و خانواده‌هایشان هستند. تاکسیرانان می‌گویند که در رژیم طاغوت هرکاری می‌کردیم، سنگ جلوی پیمانان

تاکسیرانان نیشابور شرکت تعاونی خود را تشکیل دادند

تاکسیرانان نیشابور، که مدتهاست از نداشتن شرکت تعاونی و اتحادیه رنج می‌بردند و برای تحقق این امر سالها می‌باز می‌کردند، اکنون به یکی از این خواستهها، یعنی «شرکت تعاونی» دست یافتند.

تاکسیرانان شهرستان نیشابور که حدود صد نفر هستند، روزیکشنبه ۱۳۵۹/۴/۸، ضمن راه‌پیمایی با تاکسیهای خود، تظاهراتیانی از رهبران انقلاب، امام خمینی و نهادهای انقلابی در مبارزه با مأمورین آمریکایی، شرکت تعاونی خود را افتتاح کردند. شرکت تعاونی خود حدود ۱۰۰۰ نفر عضو دارد، با سرمایه ۱۰۰۰۰۰۰ ریال افتتاح

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد.

دست واسطه ها از تولید کنندگان پيله ابريشم دهقانان مينويستند! کوتاه!

رياست جمهوري اسلامي ايران وزارت کشاورزي جمهوري اسلامي ايران اداره كل کشاورزي استان گيلان فرمانداری شهرستان لنگرود بخشداری لنگرود جرايد معتبركنور

در شرایطی که کشورهای غارتگر امپریالیستی بسرکردگی امپریالیسم جهانخوار آمریکا، همه جانبه کوشش مینمایند، تا با تحریم اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران برهبری امام خمینی را تضعیف کرده و حتی به شکست بکشانند، وظیفه مبرم همه مقامات مسئول و نهادهای انقلاب است که مجدانه بکوشند جدا از کاغذ بازی، که امام خمینی هم تاکید داشتند: "ما باز گرفتار کاغذ بازی هستیم... باید در اسرع وقت اصلاح شود..." با ارائه برنامه های اصولی و قاطع نقشه های شیطان بزرگ آمریکا و نوکرانش را با شکست مواجه نمایند.

ما کشاورزان منطقه لنگرود (استان گیلان) در سال جاری به ندای امام خمینی مبنی بر توسعه کشت برنج، جای و افزایش محصول پيله ابريشم (نوغان) پاسخ مثبت گفتیم. در مقابل برداشت محصول پيله ابريشم (نوغان) و فروش آن و حفظ و نگهداری درختان توت با مشکلاتی روبرو هستیم، که تنها کمک و مساعدت مقامات مسئول می تواند ما را در انجام امورمان یاری نماید.

فروش پيله ابريشم در بازار، با وجود واسطه ها و تعیین قیمت از جانب آنها قیمت دولتی را زیر ضربه قرار میدهد و باعث رونق کار سرمایه داران شده و سبب می گردد که دولت نتواند محصول کشاورزان مومن به انقلاب را خریداری نماید. لذا ما امضاء کنندگان خواستار اجرای برنامه های زیر میباشیم:

الف. قطع دست واسطه ها، که محصول را از کشاورزان ناعادلانه میخرند و براتر دست بدست گردانند، سودگافی را خود میبرند.
ب. جهت مبارزه با آفت درختان توت، اولاً بانک کشاورزی برای تامین هزینه این مبارزه به کشاورزان وام پرداخت کند. ثانیاً اداره کشاورزی منطقه وسائل اولیه دفع آفت (سم و بمب سمبازی) را در اختیار کشاورزان قرار داده و طرز بکارگیری این وسائل را به آنها آموزش دهد، که اگر بدین مهم توجه نشود، تاچندی دیگر از درخت توت در توتستانها انری باقی نخواهد ماند.

انجام خواسته های فوق از عهده دولت انقلابی جمهوری اسلامی ایران برمی آید، بر مقامات مسئول است که ما کشاورزان را در جهت خنثی کردن کار ضدانقلاب (سرمایه داران بزرگ، زمین داران بزرگ و واسطه ها) که زیر پوشش اسلام عمل می کنند و به قول امام خمینی "اینها با اسلام می آیند... ضد اسلام و ضد انقلاب هستند..." و نیز در مبارزه با آفت درختان توت ما کشاورزان را یاری کنند.

نامه "مردم" - محتوی این نامه با امضاء و اثر انگشت بیش از صد نفر از دهقانان منطقه لنگرود تأیید گردیده است. امید است که با رسیدگی فوری به خواست دهقانان، آنان را برای بهبود هرچه بیشتر تولیدیاری رسانند.

انجام اصلاحات ارضی در قریه زعفران قزوین

قریه زعفران در ۲۵ کیلومتری جنوب قزوین قرار دارد. در اصلاحات ارضی شاهانه سال ۴۲، حدود ۲۵۰ هکتار از زمینهای حاصلخیز را مالک ده، از ایدای دربار و مدیرعامل سابق بانک رفاه کارگران، به خود اختصاص داد. چند سال قبل این مالک بزرگ زمینها را به شخص دیگری منتقل کرد.

بعد از انقلاب، کشاورزان قریه زعفران زمینها را تصرف کردند، ولی هیئت ۵ نفره (در دوره بازرگان) به نفع مالک رای داد. پس از تصویب قانون اصلاحات ارضی و تشکیل هیئت هفت نفره، کلیه زمینها بین روستائیان تقسیم شد.

قانون اصلاحات ارضی، که خونیهای مبارزات طولانی کشاورزان میهن ماست، باید در تمام مناطق و روستاهای دیگر با قطع دست ایدای مالکان بزرگ، به نفع دهقانان تحقق یابد. دهقانان باید با انتخاب نمایندگان خود، در اجرای این قانون به مقامات کمک کنند.

زمین ورفاه

پیک

بهر روزی دهقانان قرق

روستای قرق در یست و پنج کیلومتری گرگان و بر سر راه جاده ترانزیتی تهران - مشهد قرار دارد. در این روستا حدود هزار و صد خانوار سکونت دارند، که ترکیبی از افراد بومی، سیستانی و عدّه قلیلی ترکمن و ارمنی هستند.

اکثریت قریب به اتفاق اهالی یا بر روی اراضی بزرگ مالکان کار میکنند و یا از طریق کار در کارخانه دخانیات و کارگری ساختمانی روزگار میگذرانند.

زحمتکشان این روستا بر روی زمینهایی که هفتصد هکتار آن به چند خانوار و نیز اراضی وسیعی که به افراد بومی تعلق دارد، فعالیت می کنند.

خوش نشینان روستای قرق حتی مالک خانه های مسکولی خود نیستند. آنان یا مستاجر هستند و یا در کومه هایی که ارباب ساخته، سکونت دارند.

خانه های کوچک همسطح با زمین و بچره هایی که در آنها بچای شیشه از لباس کپته استفاده شده و دیوارهای در حال ویرانی، گواه وجود فقر بی حد و حصری است که گریبان زحمتکشان را گرفته است.

دهقانان در سالهای سیاه دوران طاغوت از صبح تا شب زحمت میکشیدند و حاصل کار آنان با نسبتی ۵ به ۴ (پنج سهم ارباب و دو سهم دهقان) و یا ۴ به ۱ تقسیم میشد. بقول یکی از دهقانان:

"آخر سر، بعد از کلی زحمت، دست از پا درازتر به خانه برمیگشتم."

پس از انقلاب، دهقانان یصبرانه در انتظار تقسیم اراضی و احقاق حق خود بودند، لیکن پاسخی به این انتظار آنان داده نشد. البته برای تقسیم زمین، شورایی مرکب از جوانان بوجود آمده، لیکن بعلت عدم تفاهم و فقدان قدرت اجرایی کار صورت نگرفت. زمینداران بزرگ نیز بمنظور حفظ مالکیت غاصبانه خود به کشت گندم در زمینها اقدام کردند، در حالیکه در سالهای گذشته پنبه میکشیدند. آنان بدین خاطر به کشت گندم مبادرت ورزیدند تا اولاً مالکیت خود را ثابت کنند و در ثانی چون زراعت گندم به برسرستی کمتری نسبت به پنبه احتیاج دارد، از کارگری بریاز باشند.

یکی از دهقانان این روستا، که یوسف گول زابلی نام دارد، می گوید:

"یست و دو سال است که از زابل به اینجا آمدم، در عرض این یست و دو سال همیشه کار کردیم و چنگلها در اثر کار ما به زمین زراعتی تبدیل شد. حال این وضع زندگی ماست. تازه این خانه کثیف و رطوبتی هم مال من نیست و به ارباب تعلق دارد."

یکی دیگر از روستائیان وضع زندگی و مشکلات

روستای قرق بحق برخورداری از امکانات رفاهی را خواستارند.

وسائل مدرن و مکافیزه کشاورزی مانند تراکتور و کمباین و دادن وام، کود، بذر و سم و دیگر وسائل کشاورزی، دهقانان را در امر تولید یاری رساند.

با اتحاد و همبستگی و به کمک نهادهای انقلابی میتوان به هدف رسید

روستای نجف آباد در شمال غرب قوجان قرار دارد. بزرگ مالک این روستا تاخروداد ۵۹ صاحب مرغوبترین اراضی بود. زمینها و دیگر اموال تحت تسلط وی، ۷۶۰ هکتار زمین آبی و ۱۸ حلقه چاه عمیق و موتور آب بود.

بزرگ مالک برای اینکه روستائیان نسبت به اراضی وی ادعای مالکیت نکنند، نیروی انسانی مورد احتیاج خود را از اهالی دهات اطراف، بصورت کارگران کشاورزی و بطور موقت بکار می گرفت و آنان را باتوسل به رشوه و تطمیع در مقابل روستائیان قرار می داد. روستائیان نسبت به این عمل اعتراض کردند و خواستار واگذاری زمینها شدند و نیز به بزرگ مالک اجازه جمع آوری خرمنها را ندادند.

دربیی شکایت روستائیان به مراجع قانونی، بزرگ مالک از سوی نهادهای انقلابی، چون جهاد سازندگی و سپاه پاسداران و دادگاه انقلاب تحت تعقیب قرار گرفت و در دادگاه محکوم گردید.

آنگاه محصول به نسبت نصف به نصف بین مالک و دهقانان بی زمین و کم زمین تقسیم و زمینهای وی نیز مصادره شد و در اختیار این روستائیان قرار گرفت.

مصادره زمینها و واگذاری آن به دهقانان، عملی است مثبت و منطبق با قانون واگذاری زمین به دهقانان تپه دست. اجرای قانون در سراسر کشور خواست دهقانان است و باید هرچه زودتر قاطعانه و بادر نظر گرفتن منافع دهقانان تپه دست اجرا شود.

به همت اهالی و جهاد سازندگی، اراضی روستای میان پالان بین کشاورزان تقسیم شد

قریه میان پالان در ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی قزوین قرار دارد. مقدار زیادی از زمینهای مرغوب قریه در تصرف دونفر است، که در روزهای انقلاب فعالیتهای ضد انقلابی داشته اند.

در تاریخ ۵۹/۳/۱۹ چهار نفر از هیئت هفت نفره، (دونفر از جهاد سازندگی و دونفر از اهالی روستا) در مورد تقسیم اراضی اقدام کردند و پس

پس از تشکیل هیئت هفت نفره، توسط این هیئت زمینها بین روستائیان، که به شهرهای قزوین و کرج و تهران کوچ کرده بودند، واگذار شد.

در حال حاضر روستائیان زمینها را کشت می کنند و به وسائلی چون تراکتور، کود شیمیایی، سم و دیگر نیازهای ابتدائی رفاهی احتیاج دارند.

هیئت هفت نفره، عهده دار وظیفه مهمی هستند. آنها باید اراضی بزرگ مالکان را، که جز از طریق غصب زمینهای دهقانان به چنگ نیاورده اند، میان دهقانان به طور عادلانه تقسیم کنند. دولت قادر است با واگذاری

خود را چنین توضیح می دهد: «من قبلاً روی زمین یکی از فئودالهای اینجا کار میکردم. حالا فلج شده ام و در این خانه سکونت دارم. هیچ منبع درآمدی ندارم. با گرسنگی دست به گریبان هستم. دخترم الان نه سال سن دارد و بودجه ام کفاف مدرسه رفتن او را نمیدهد.»

و آنگاه در حالیکه به دخترش اشاره میکند، ادامه میدهد:

«او به اتفاق همسالان خود در مزارع سیب زمینی زمینداران، به جمع آوری سیب زمینی می پردازد و از این بابت روزی ۱۰۰ ریال مزد می گیرد. آنها در مقابل این دستمزد کم پیش از ده ساعت کار میکنند.»

با آنکه قرق با چندین مغازه کتار جاده منطقه ای آباد می نهد، لیکن پس از ورود به محله ها و توجه های آن، کمتر اثری از آبادی و عمران دیده میشود.

آب خانه ها لوله کشی نیست. جهاد سازندگی در گذشته کوجه شید مطهری را لوله کشی کرد و کوجه طالقانی نیز قرار بود لوله کشی شود، لیکن تاکنون اینکار انجام نشده است. کوجه های قرق در نایستان پر از گرد و غبار و در زمستان پر از گل و لای میشود، که احتیاج به مرمت اساسی دارد.

از هه مهتر فقدان بیمارستان و یا واحد سیار بهداشتی در اینجاست، که مشکلات بزرگی برای اهالی فراهم آورده است. یکی از اهالی در این مورد می گفت:

«برای مداوای بیماران مجبوریم به گرگان برویم و چون وسیله نقلیه ما اتوبوسهای محلی است و شبها کار نمی کنند، انتقال بیماران به شهرها سختی امکان پذیر است.»

قرق فاقد دبیرستان است و اهالی بمنظور ادامه تحصیل باید راهی گرگان یا فضل آباد شوند.

بخشی بزرگی از زحمتکشان میهنان، که در روستاها زندگی میکنند، سالیان سال، راهی خود را از یوغ پروری و بندگی اربابان و بزرگ مالکان مستقر انتظار می کشیدند. آنان پس از انقلاب یصبرانه در انتظار اجرای قانون اصلاحات ارضی و آئین نامه اجرایی مصوبه شورای انقلاب پسود خود هستند. اجرای هر چه سریعتر این قانون خود گامی است که شور و شوق و امید به انقلاب را در آنان افزایش میدهد و عدم اجرای آن مسلماً موجبات رشد بدینی و نومیدی را فراهم خواهد کرد و این خطر یست بزرگ و جدی.

روستائیان قرق بحق برخورداری از امکانات رفاهی را خواستارند.

روستائیان قرق بحق برخورداری از امکانات رفاهی را خواستارند.

روستائیان قرق بحق برخورداری از امکانات رفاهی را خواستارند.

روستائیان قرق بحق برخورداری از امکانات رفاهی را خواستارند.

روستائیان قرق بحق برخورداری از امکانات رفاهی را خواستارند.

روستائیان قرق بحق برخورداری از امکانات رفاهی را خواستارند.

روستائیان قرق بحق برخورداری از امکانات رفاهی را خواستارند.

روستائیان قرق بحق برخورداری از امکانات رفاهی را خواستارند.

روستائیان قرق بحق برخورداری از امکانات رفاهی را خواستارند.

روستائیان قرق بحق برخورداری از امکانات رفاهی را خواستارند.

روستائیان قرق بحق برخورداری از امکانات رفاهی را خواستارند.

روستائیان قرق بحق برخورداری از امکانات رفاهی را خواستارند.

روستائیان قرق بحق برخورداری از امکانات رفاهی را خواستارند.

روستائیان قرق بحق برخورداری از امکانات رفاهی را خواستارند.

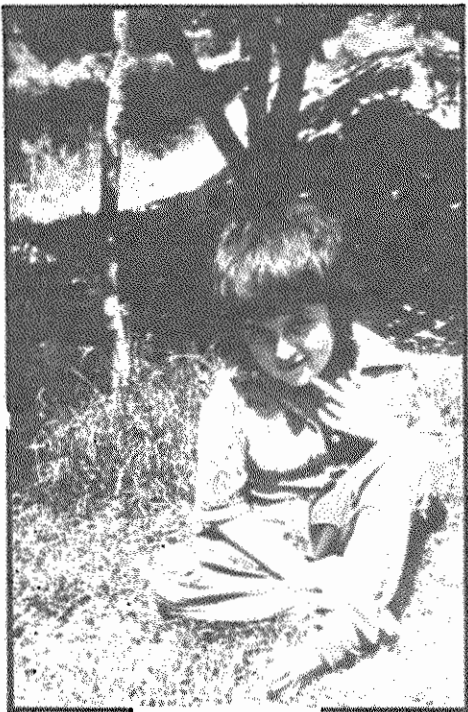
روستائیان قرق بحق برخورداری از امکانات رفاهی را خواستارند.

روستائیان قرق بحق برخورداری از امکانات رفاهی را خواستارند.

روستائیان قرق بحق برخورداری از امکانات رفاهی را خواستارند.

روستائیان قرق بحق برخورداری از امکانات رفاهی را خواستارند.

روستائیان قرق بحق برخورداری از امکانات رفاهی را خواستارند.



فوزیه، دختر دوازده ساله ایست که پدرستی قادر به حرف زدن نیست. فوزیه زمانی که شش ماهه بود، در اثر سپهر انگاری یک پزشک دچار رشد غیر طبیعی در ناحیه سر و در نتیجه عقب ماندگی رشد شد. پدر فوزیه برای یک فتودال دریکی از روستاهای قائم شهر کار می کند. او از اینکه برای رسیدگی به وضع خانه و خانواده خود از فتودال احقاق حقوق کند، می ترسد. باید پهسلطه زمین داران بزرگ و دیگر افشاران استشار کننده در روستاها پایان داد و به زندگی خانواده فوزیهها رونق بخشید.

از بررسی و نقشه برداری دقیق، زمینها را بین ۴۷ خانوار تقسیم کردند. این تقسیم اراضی شامل افراد بالاتر از ۱۸ سال می شود، حتی اگر در شهر یا جاهای دیگر مشغول به کار باشند (در صورتی که این افراد تا بهمن ماه ۵۹ از کار خود استعفا دهند).

تقریباً به هر خانوار ۱۰ هکتار زمین رسیده است. دهقانان فعلاً موظف هستند که گندم وجو وهر چیزی که کشور بیستراحتیاج دارد، کشت کنند.

در حال حاضر مسئله خدمات رفاهی وهمینطور کشت و چگونگی آن برای دهقانان مطرح است. قرار است به پیشنهاد هیئت هفت نفره شرکت تعاونی تشکیل گردد. ضمناً روستائیان خواستار وام هستند.

بیروزی دهقانان درگرو اتحاد و شکل آنان در اتحادیه های دهقانی است. دهقانان باید با جهاد سازندگی، این نهاد انقلابی، همکاری موثر و سودمند داشته باشند. دولت باید به خواست های اساسی دهقانان این روستا، که تشکیل شرکت تعاونی و برداخت وام از جانب دولت است، رسیدگی کند.

دست مالکان زورگو کوتاه!

وی آنها را به باد کتک گرفتند. روستائیان خواستار مبارزه و مجازات فوری ارباب و عوامش هستند.

تاء خیردر کوتاه کردن ایدای مالکان بزرگ و عوامل آنها واقع در جنوب قزوین در روستاها جایز نیست. مالکان بزرگ جا ده بوئین زهرا، از زهررا هی که بتوانند داخل شهر شدند تا به مقامات مسئول و ناراضی و تشنج ایجاد میکنند.

عوامل ارباب هر یک چند هکتار زمین را در این زمینها، با اجرای قانون واگذاری زمین به دهقانان اهل این روستا جهت آبیاری درختها استفاده میکنند، که آن به سود زحمتکشان این عمل باعث کم آبی در روستا شده است. مجازات و تعقیب عوامل هنگامی که روستائیان به این عمل اعتراض کردند، مالک و عوامل زحمتکشان دفاع کنند.

دهقانان کم زمین ولی زمین!

باتشکیل کمیته های خود و باتکیه به پاسداران متعهد و افراد بسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سر بیاورد و دشمنان اجرا شود



در جهان سرمایه‌ایسم

در جهان سرمایه‌داری

کرایه خانه‌ها زل در جمهوری دمکراتیک آلمان

بهیود شرایط سکونت یکی از مهم ترین وظایف اجتماعی دولت در جمهوری دمکراتیک آلمان است. در سالهای ۵۴ - ۱۳۵۰ دولت در حدود ۳۹ میلیارد مارک بابت خانه سازی خرج کرد. بودجه خانه سازی در سال های ۵۹ - ۱۳۵۵ نزدیک به ۵۵ میلیارد مارک پیش بینی شده است. در حالی که هزینه میانگین هر خانه نوساز دولتی و تعاونی ۵۷۰۰۰ مارک است، هر شهروند آلمان دمکراتیک بابت کرایه ماهانه ۱/۲۵ - ۱/۸۰ مارک به نسبت هر متر مربع میپردازد.

در سالهای ۵۷ - ۱۳۵۵، در جمهوری دمکراتیک آلمان ۴۸۱۱۶۱ خانه ساخته شد، که از جمله ۱۲۱۰۰۰ خانه تعاونی و ۳۵۰۰۰ خانه خصوصی را در بر می گرفت. مراجع خانه سازی در جمهوری دمکراتیک آلمان، در تقسیم واحد مسکونی برای کارگران، به ویژه کارگران نوبه‌ای و خانواده هایی که شماره فرزندانشان از سه به بالاست، اولویت قائل می‌گردند.

چنانکه جدول زیر نشان می‌دهد، کرایه خانه در جمهوری دمکراتیک آلمان فوق العاده نازل است: میانگین کرایه خانه برای خانواده‌هایی که درآمد ماهیانه‌شان کمتر از ۲۰۰۰ مارک است

در برلین	در شهرستانها
خانه دو اتاقه ۸۲ مارک	۷۵ مارک
خانه سه اتاقه ۱۰۷ مارک	۸۵ مارک
خانه چهار اتاقه ۱۳۳ مارک	۱۰۴ مارک

وزیر خارجه کامیوجیا: باندهای پول پوت - ینگ ساری راهزنانند

وزیر خارجه کامیوجیا اظهار داشت که باندهای پول پوت - ینگ ساری، که در تایلند مستقر شده‌اند، راهزنانی بیش نیستند و این باندها اکنون آشکارا به چپا ول و غارت اموال ساکنان نواحی مرزی کامیوجیا مبادرت می‌کنند. وزیر خارجه کامیوجیا گفت که به اصطلاح حکومت کامیوجیا دموکراتیک (دارودسته پول پوت - ینگ ساری) نه تنها هیچگونه پایگاهی میان مردم ندارد بلکه برعکس، اعضای این دارودسته را مشتی را هرن و غارتگر تشکیل می‌دهند که در پناه دولت تایلند دستند و چین و آمریکا نیز از این باندها حمایت می‌کنند. وزیر خارجه کامیوجیا گفت که چین تلاش دارد رویادهای مرکزی در مرز تایلند و کامیوجیا را به بعد دخطرناکی بکشانند.

دبیر ملی فدراسیون اتحادیه‌های کارگری بولیوی برای شرکت در معرض خطر مرگ قرارداد

"کنفدراسیون عمومی کار در فرانسه، در بیانیه‌ای اعلام کرد که سیمون ریس، دبیر ملی فدراسیون اتحادیه‌های کارگری بولیوی، که ۱۷ ژوئیه گذشته در پی کودتای نظامی در میان مزدور بولیوی با زدا شده بود، به گونه‌ای بسیار "هولناک" تحت شکنجه قرار گرفته و در معرض خطر مرگ قرار دارد. این بیانیه که در پی بازگشت یک هیئت مشترک کنفدراسیون عمومی کار و اتحادیه بین‌المللی حقوقدانان دموکرات از بولیوی صادر شد، اضافه می‌کند که نظامیان بولیوی مانع آن می‌شوند که "ریس" تحت معالجه قرار گیرد.

رژیم سادات همچنان ضد انقلابیون افغانی را مسلح می‌کند

روزنامه پاکستانی نوای وقسمت گزارش می‌دهد که آمریکا و مصر قراردادی در مورد کمک به "شورشیان" افغانی امضاء کردند. به موجب این قرارداد، رژیم سادات سلاح‌هایی از قبیل موشک زمین به هوا و نارنجک اتناز در اختیار صمد - انقلابیون افغانی قرار می‌دهد و در مقابل آمریکا نیز متعهد شده است که سلاح‌های مدرن در اختیار رفا هر قرار دهد. از سوی دیگر رادیو کابل گزارش داد که نیروهای مسلح افغانستان و گروههای مسلح خلق (دفاع از خود) در مبارزه با اوباشان و خرابکاران به پیروزی‌های چشمگیری دست یافته‌اند. در ایالت سنگنان حدود هفتاد تروریست در جنگ با گروههای "دفاع از خود" به قتل رسیدند. در اطراف هرات نیز دو بیست و هفتاد خرابکار را سرکشتند. از خرابکاران سلاح‌های ساخت آمریکا، چین، پاکستان و غیره به دست آمد. خرابکاران با اعتراف کرده‌اند که از کشورهای همسایه افغانستان برای خرابکاری به این کشور فرستاده شده‌اند.

نخست وزیر جدید لهستان تعیین شد

اجلاس کامل کمیته مرکزی حزب متحده کار رنری لهستان برگزار شد. این اجلاس گزارش وضع سیاسی و اقتصادی کشور را استماع کرد.

ادوآردیک، دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحده کارگری لهستان، در سخنرانی خود مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور را تحلیل کرد و وظایف عمده حزب را تشریح نمود.

در جریان این اجلاس، ۴ تن از اعضای دفتر سیاسی، از عضویت در این دفتر معاف شدند.

اجلاس کمیته مرکزی همچنین با توافقی با بیوخ در مورد معاف شدن از انجام وظایف نخست وزیر موافقت کرد.

دو تن از سوی کمیته مرکزی بعضویت دفتر سیاسی پذیرفته شدند. همچنین مقرر شد که یوزف تنیکوفسکی وظایف نخست وزیر را عهده‌دار شود، تا پارلمان لهستان در این مورد تصمیم گیرد.

سوریه و اتیوپی تلاش آمریکا را برای ایجاد پایگاه نظامی در افریقا و خاور میانه محکوم کردند

در دمشق، حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه، با وزیر خارجه اتیوپی در باره اوضاع افریقا و خاور میانه مذاکرات مهمی انجام داد. در جریان این دیدار، تلاش میریالیسم آمریکا برای ایجاد شبکه پایگاه‌های نظامی در افریقا و خاور میانه محکوم شد و بر روی این مسئله تأکید شد که هدف هیئت حاکمه آمریکا آن است که خلق‌های افریقای غربی و عرب تسلیم شوند. وزیر خارجه اتیوپی در جریان این دیدار حمایت کشور خود را از مبارزه عادلانه و برحق خلق فلسطین اعلام کرد. حافظ اسد نیز با تأیید و تشکر سوریه قاطعانه در برابر هرگونه راه حل تسلیم طلبانه برای مسئله فلسطین پایبندی خواهد کرد.

افکار عمومی هندبشیتیبانی انگلیس را از سیاست آمریکا در اقیانوس هند محکوم می‌کند

افکار عمومی هند با خشم و نفرت در مورد خبری که طی آن گفته شده بود، نمایندگی انگلیس در دبیرخانه سازمان ملل متحد به بهانه به اصطلاح رویدادهای افغانستان، افزایش حضور نظامی آمریکا و دیگر قدرتها غربی در اقیانوس هند توجیه کرده است، واکنش نشان دادند.

روزنامه "ایندیان اکسپرس" نوشت که بنابه منطق دولت انگلیس، ایجاد منطقه ملح و همکاری در اقیانوس هند به زیان تحکیم ملح و امنیت منطقه است (۱) و اینکه گویا ناپبودی پایگاه‌های خارجی به عدم ثبات کشورهای ساحلی منجر خواهد شد. روزنامه "پاتریوت" نوشت که انگلیس حاضر نیست به غیرنظامی کردن اقیانوس هند کمک کند.

ناظران سیاسی در دلهی نوگفتند که روش دولت محافظه کارلندن در مورد اقیانوس هند شکفتنی و رینیست، زیرا آمریکا با سرمایه‌های خود در آنجا به پیشبرد نفوذ خود دست می‌زند.

از سوی دیگر مطبوعات انگلیس در اقیانوس هند نیز بی‌رحمی پوینده نیست. انگلیس با رژیم دست نشانده عمان قرار دادی منعقد کرده است که به موجب آن انگلیس سلاح‌های مدرن در اختیار عمان قرار خواهد داد. انگلیس همچنین به دنبال آمریکا، سرگرم تشکیل سپاه واکنش سریع است. "پاتریوت" نوشت که هرگونه تلاش بیبرمانه برای توجیه این تحریکات تحت دستاویز "رویدادهای افغانستان" به اصطلاح، تهدید شوری، سرپوش گذاشتن به فعالیت‌های امپریالیسم آمریکا در اقیانوس هند است.

کشورهای غیرمتعهد برای مقابله با جعلیات خبرگزاری‌های امپریالیستی همکاری می‌کنند

در پی اجلاس کمیته همکاری خبرگزاری‌های کشورهای غیرمتعهد در ناگوا، پایتخت نیکاراگوئه، دبیر کل این کمیته گفت که مسائل بسیاری مربوط به مبارزه کشورهای در حال توسعه، برای تأسیس یک نظام اطلاعاتی عادلانه جهانی مورد بحث قرار گرفت.

در اجلاس ناگوا، کشورهای غیرمتعهد عضو کمیته همکاری، حمایت تمام عیار خود را از جنبش‌های آزادیبخش ملی اعلام و تأکید کردند که مصمم‌اند همبستگی و همکاری خود را در مبارزه علیه "اطلاعات امپریالیستی" و استعمار را، که رسانه‌های گروهی قدرتها امپریالیستی آنرا کنترل می‌کنند، تحکیم بخشند.

این کمیته تأکید اراجیف در باره روند انقلابی آزادیبخش در کشورهای در حال توسعه را به وسیله خبرگزاری‌های امپریالیستی محکوم کرد. شرکت‌کنندگان در کنفرانس تأکید کردند که لازم است همکاری میان کشورهای غیرمتعهد در زمینه تبادل اطلاعات، ایجاد مراکز اطلاعاتی و غیره گسترش یابد و کشورهای در حال توسعه باید هرچه زودتر خود را از زیر بار خبرگزاری‌های امپریالیستی، که شب و روز به پخش اکاذیب مشغول‌اند، نجات دهند.

به موجب گزارشهای رسمی شماره بی - کاران در بریتانیا اینک به ۶۷۶ ۶۵۹ رسیدند و پس از دوران جنگ جهانی دوم رکورد جدیدی به جای گذاشته است. یکی از ویژگی‌های ترکیب بیکاران در این کشور سهم چشمگیر جوانان بیکار است.

به نوشته "تایمز": "در تابستان و با شیوا سال در بسیاری از نقاط آه زهره نفر، بیش از پنج و برخی اوقات هشت یا نه نفر، در باران‌ها ریزش شده در جستجوی هرگونه کاری خواهند بود."

در حدود یک سوم مردان و نیمی از زنان بیکار در بریتانیا سنشان کمتر از ۲۴ سال است. رکود اقتصادی همواره به شماره جوانان بیکار می‌فزاید.

در ژوئن امسال، شماره جوانانی که مدرسه را ترک گفته‌اند و بیپیشه در جستجوی کارویا محل کارآموزی هستند، به ۱۸۷۰۰۰ رسید. از آن هنگام تاکنون به ۷۰۰ هزار دختر و پسر دیگر نیز از کلاس درس خندا حافظی کرده‌اند. شاید آخرین درس آنها طرز بیکاری در خواست کمک هزینه بیکاری بوده است.

جورج استرینجر، معاون دبیرستان کینگز لین در این باره گفته است: "درست است، که این موضوع در برنامه تدریس پیش بینی نشده است، ولی ما باید واقعیت را در نظر بگیریم."

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

صداوسپمای جمهوری...

بقیه از صفحه ۳

احزاب، شخصیت‌های انقلابی و مردم میهنان گشته است. از رهبر انقلاب امام خمینی تا مجلس شورای اسلامی، از رئیس جمهوری تا تمامی گروهها و سازمانها و احزاب سیاسی هوادار انقلاب ایران، همه و همه از سیاست حاکم بر این ارگان انتقاد می‌کنند و خواهان اصلاح آن هستند. روزی نیست که مسئولین مملکتی لب به انتقاد از این ارگان باز نکنند و درباره سیاست‌های حاکم بر آن سخن نگویند.

با اینکه تاکنون مدیریت صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران چندبار تغییر کرده است و با اینکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اداره این دستگاه عظیم تبلیغی، سیاسی، آموزشی به عهده قوای سه‌گانه گذاشته شده است، در کمال تعجب و تاسف هنوز بروشنی مشخص نیست که اداره این سازمان به عهده کیست و چه کسانی خط مشی آنرا مشخص می‌کنند. پس هرچه هست، این موضوع روشن است که، ادامه روش کنونی در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به هیچ روی مطابق با ضروریات انقلاب ایران نیست و باید بطور بنیادی تغییر کند.

حالا این سؤال مطرح می‌شود که این تغییر بنیادی توسط چه کسانی باید صورت گیرد؟ اکنون که مجلس شورای اسلامی وارد دوره قانون گذاری خود شده و دولت جدید نیز بزودی تشکیل خواهد شد، چه ارگانی مسئولیت اداره و تصحیح خط مشی حاکم بر این سازمان را به عهده می‌گیرد؟

باتوجه به حساسیت اوضاع کنونی و نقش بس مهم و ارزنده‌ای که صدا و سیما جمهوری اسلامی می‌تواند و باید به سود انقلاب ایفا کند، انتظار ما و تمامی نیروهای انقلابی ایران روشن شدن هرچه سریعتر این مسئله است.

تکرار می‌کنیم: باید هرچه سریعتر نحوه اداره این سازمان مشخص شود و خط مشی حاکم بر آن تغییر کند. صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران می‌تواند و باید صدا و سیمای راستین انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران باشد. هرگونه تاخیر در انجام این رسالت مهم و حیاتی، مسئولیت سنگینی را در مقابل تاریخ و مردم قهرمان ایران متوجه مقامات و مسئولین جمهوری اسلامی ایران می‌کند.

مانیز مانند گذشته بنوبه خود آماده‌ایم تا با طرح انتقادات سازنده و ارائه پیشنهادها، خلایق، مسئولین و ارگانهای اداره کننده صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران را در اتخاذ مشی درست و مطابق با نیازهای مبرم انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران یاری کنیم.

چنین عواملی امپریالیسم آمریکا می‌توانست کودتا های ضد انقلابی خود را تدارک ببیند. آری، شبکه‌های سیاسی ضد انقلاب توانسته بود پایگاهی در درون صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در جهت اهداف بنیاد و ضد مردمی خویش بوجود آورد.

روزنامه "کیهان" در تاریخ ۲ شهریور، در ارتباط با کشف شبکه عوامل کودتا در این سازمان نوشت:

"همکاران کودتاگران در رادیو تلویزیون گویا برنامه مدونی در این زمینه داشته‌اند و چگونگی عملکرد خود را بعد از کودتا در رادیو تلویزیون بصورت برنامه رادیویی و تلویزیونی تهیه و تنظیم کرده بودند."

این روزنامه اضافه می‌کند: "بر اساس اطلاعات تأیید نشده تاکنون ۳۰ نفر شناسایی شده‌اند و انتظار می‌رود این رقم تا صد نفر افزایش یابد..."

آری، برنامه "مدون" همکاران کودتاچیان در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، زمینه سازی برای کودتا و سپس توجیه و "شروعیت" بخشیدن به حکومت کودتا بوده است. به کف این "برنامه" مدون - که متأسفانه عده‌ای از مسئولین و کارگزاران این ارگان ناآگاهانه از آن پیروی می‌کردند و هنوز هم می‌کنند - بود که مشی ایجاد تفرقه و نفاق جانشین مشی ترویج اتحاد و یگانگی شده بود.

مادر ۴ ماه پیش، طی همان مقالاتی که به مناسبت انتصابات جدیدی که از سوی رئیس جمهوری در این ارگان صورت گرفت، نوشتیم، درباره ادامه چنین سیاستی به مسئولان این سازمان هشدار دادیم. و متأسفانه ناچاریم با گذشت ۴ ماه از آن زمان، دوباره هشدار خود را، و این بار با توجه به حساسیت فوق العاده شرایط، جدی‌تر تکرار کنیم.

مادر همان زمان تذکر دادیم که غالب نبودن خط ضد امپریالیستی و خلقی امام در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به معنای فقدان کادر مؤمن و انقلابی در این سازمان نیست، و وظیفه افراد مؤمن و متعهد است که با غالب کردن این "خط"، گام مثبتی در تقویت انقلاب و ارگانهای آن بردارند.

وسخن آخر: هیچکس از رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی ایران راضی نیست!

سیاست حاکم بر صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، موجب ناراضی تمامی سازمانها، گروهها،

از اجتماعات...

کنند.

واقعیت اینست که کارگران خود به اندازه کافی در طرح خواستهایی که اجرای آنها برای دولت جوان انقلابی مقدور نیست، خودداری نشان می‌دهند. اگر با این وجود، کارگران تقاضاهای خود را مطرح می‌سازند، این دیگر نشانه آنست که کارگران به استخوانشان رسیده و امکان اینکه همچنان دندان روی چکر بگذارند، از آنان سلب شده است.

اجتماعات و تظاهرات مسالمت آمیز کارگران در هفته‌های اخیر، چه در صنعت چاپ و چه اصولاً در همه نقاط کشور، دلیل روشن وجود چنین وضعی در میان کارگران است. به همین جهت بنظر می‌رسد که نباید بدون اعتنا از کنار این اجتماعات گذشت و دلخوش بود که این اجتماعات با خوبی و آرامش برگزار می‌شود. از اجتماعات کارگران باید در سهای جدی گرفت، و تادیر نشده، باید در حل و فصل مشکلات به کارگران کمک کرد، تا نه فقط موجبات دلگرمی بیشتر کارگران نسبت به پیروزی انقلاب فراهم آید، بلکه ریشه‌های در طبقات زحمتکش بسود خود برسد. برداری کنید، خشکانیده گردد. بنظر ما چندین درس می‌آید. یکی از اجتماعات و تظاهرات آراستن چوینه کارگران در هفته‌های اخیر باید گرفت. این درسها بویژه عبارتند از:

- ۱- مسائل مربوط به کاروندگی کارگران بصورت حادی در آمده و طبقه کارگر از نظر توسعه دیکاری، گرانی و تورم در معرض فشار طاقت‌فرسائی قرار گرفته است. دستمزدهای کارگران در برابرساعات

طولانی روز کار ناچیز است. معذک همین دستمزدها آشکارا در معرض تهاجم غارتگرانی قرار گرفته، که با استفاده از سلاح گرانی و تورم، احتکار کالا و ایجاد کمیابی، قسمت اعظم آنرا از دست کارگران می‌ربایند. وسعت بیکاری درجه طاقت‌فرسائی دارد. در نتیجه نهائی، بار سنگین ناشی از بیکاری بدوش طبقه کارگر آن حد قابل یا دوفز بیکار شده‌اند. و سربار دیگر افراد خانواده هستند، که بدون آنهم درآمد کافی ندارند. حل مسائل گرانی، تورم، بیکاری، مسکن و دیگر اموری که با بهبود شرایط کار و زندگی زحمتکشان ارتباط دارد، محتاج اقدامات جدی و فوری است. با حل این مسائل به سود کارگران، با کاهش و تثبیت قیمت‌ها، با ایجاد کار از راه بکار - انداختن کارخانه‌ها و کارگاههای درحال تعطیل، با حل مسئله مسکن برای کارگران، باید بکمک طبقه کارگر شتافت و این طبقه زحمتکش و محروم را در راهائی از وضع سخت و طاقت‌فرسائی کنونی نجات داد. پیش از این، در حل و فصل این مسائل، که می‌تواند از راه انقلابی و بطور ضربتی بسود زحمتکشان حل و فصل گردد، نباید تعطیل و تاخیر روا داشت. ۲- کارگران ایران، که نقش قابل توجهی در تدارک و تکوین و پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی داشته و بیشترین قربانیان را متحمل شده‌اند، بدستی انتظار داشتند که پس از پیروزی انقلاب، نقش برجسته و مهمی در ارکانهای انقلابی و دولت انقلاب داشته باشند. کارگران به درستی انتظار داشتند که پس از پیروزی انقلاب بطور فعال در تهیه و تنظیم

قوانین کارگری شرکت داده شوند و از حق تشکل آزاد سندیکائی و شورائی بدون هیچ مانعی برخوردار گردند.

متأسفانه باید گفت که این انتظار کارگران برآورده نشده و وزارتخانه‌های بجامانده از دوران طاغوت، برای پذیرش این واقعیت، که باید کارگران را «بیازی» گرفت و قوانین کارگری را با مشورت با نمایندگان آنان تنظیم و تصویب کرد، از خودآمدگی نشان ندادند. وزارت کار هر روز، یکی پس از دیگری، بدون مشورت قبلی بسا کارگران، قانون و آیین‌نامه می‌گذراند و جالب اینکه، کمترین توجهی به اعتراض کارگران در این مورد، که باید با آنان مشورت کرد، ندارد.

کارگران از روشی که، علیرغم تأکیدات امام، آنها را به هیچ می‌شمرد، شدیداً و بسختی ناراضی هستند. باید به این وضع خاتمه داد. باید کارگران را بعنوان طبقه‌ای فعال در اتخاذ تصمیمات و تهیه طرح‌های قانونی، که مربوط به کار و زندگی آنهاست، شرکت داد. بی‌اعتنائی در برابر این خواسته‌ها، دهن کجی نسبت به خواسته کارگران در زمینه تشکل سندیکائی و شورائی، به انقلاب کمک نمی‌کند، بلکه زمینه مساعد عدم رضایت را بسود ضد انقلاب بوجود می‌آورد.

۳- شک نیست که ضدانقلاب در صدد استفاده از زمینه‌های عدم رضایت در میان کارگران است. ضدانقلاب می‌کوشد از مشکلاتی که قسمت مهم آنها نتیجه تسلط رژیم ترورواختق و دست‌نشانده امپریالیسم بر کشور بوده، تحت‌عنوان دلسوزی برای

کارگران استفاده کند. بویژه هدف ضدانقلاب اینست که با کشاندن کارگران به تظاهرات خاداعتصابی و تحسین، چرخ تولید و اقتصاد کشور را فلج کند و جمهوری جوان نوپای اسلامی را در برابر مشکلات جدی قرار دهد و در این عرصه ضربات مهلکی به انقلاب وارد آورد.

طبیعی است که کارگران و زحمتکشان ایران در برابر این توطئه‌ها از خود بیداری نشان داده و خواهند داد و با تکیه بر شرم و آگاهی طبقه‌ای توطئه‌های ضدانقلاب را خنثی خواهند کرد. پاسخ ضدانقلاب توطئه‌سازان و شوب برپاکن در شرایط کنونی، خودداری کارگران از هر نوع اقدامات خاداعتصابی، تحسین و رام-پیمائی، و تکیه بر شیوه مذاکره و آگاه‌ساختن افکار عمومی و مقامات مسئول نسبت به قبول خواسته‌های قانونی و بحق آنان است.

۴- تجربه گذشته همین حوادث اخیر اجتماعات کارگری بیانگر آنست که، آنجا که کارگران در سازمانهای اصیل صنفی خود، یعنی سندیکاهای و اتحادیه‌های شوراهای انقلابی کارگری متشکل هستند، امکان تحریک و توطئه محافل ضدانقلابی مسدود و یا محدود است. بعنوان نمونه، اگر هیئت مدیره سندیکاهای کارگران چاپخانه و یا نمایندگان آگاه کارگران صنعت نفت در سندیکاهای و شوراهای سا در میان نمی‌گذاشتند و حل مسائل پیچیده را بدرستی برای کارگران توضیح نمی‌دادند، چه بسا ضدانقلاب موفق می‌شد که کارگران را، علیرغم میل آنها، به اعتصاب و تحسین بکشاند، این واقعیت انکار-

بر اساس اسناد بدست آمده، میسیونرهای مذهبی از جمله مراکز جاسوسی امپریالیسم آمریکا در ایران بودند

میسیونرها با گروهی از افسران ارتش، نیروی هوایی و ادارات دولتی تماس و همکاری داشتند

چندی پیش یک مرکز جاسوسی اسرائیل در تهران، که تحت پوشش فرهنگی - تربیتی (مدرسه اندیشه) به فعالیت‌های جاسوسی علیه انقلاب ایران مشغول بود، کشف شد. بر اساس اسنادی که از این مرکز جاسوسی بدست آمد، میسیونرهای مذهبی در ایران برای سازمانهای جاسوسی «سیا»، «موساد» و «اینتلیجنس سرویس» جاسوسی می‌کردند. این اسناد همچنین حکایت از آن می‌کند، که «اسرائیل با ایجاد ارتباط با عده زیادی از پادشاهان روحانی و این گروه مدارس وسیعی در کشورهای خاورمیانه مانند ایران، اردن، لبنان و عربستان سعودی به جاسوسی پرداخته‌اند» (کیهان ۲۶ مرداد ۵۹) مدارسی که مدرسان و معلمین دینداران یعنی «فادرها» یا پدران روحانی بارها و بارها به اسرائیل سفر کرده و با آن مکاتبه داشته‌اند.

آغاز فعالیت‌های «میسیونرسم» و میسیونرهای مذهبی (پیام‌آوران) به قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی، دوران شکوفایی سرمایه‌داری در کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی بازمی‌گردد. به دورانی که سرمایه‌داری از طریق سیاست استعماری خود به منظور دست‌یابی به ذخایر و منابع زرخیز و همچنین نیروی کار ارزان، کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا را زیر سلطه خون‌آشام خود قرار می‌داد. این فعالیت به دورانی بازمی‌گردد که «سرمایه‌داری از تمام‌سماقتی خون‌چوچک بیرون می‌زند».

میسیونرهای مذهبی، که لنین بدرستی آنها را «پیش‌قراولان استعمار» نامید، تحت‌لوی ترویج به اصطلاح مسیحیت، به میان مردم بومی این کشورها می‌رفتند و از طریق ایجاد مدارس میسیونری و جلب عناصر مترزل و می، شرایط ذهنی مناسبی را برای نفوذ سلطه خود تدارک می‌دیدند.

فعالیت میسیونرهای مذهبی پای‌نهادن سرمایه‌داری به مرحله‌های خود یعنی امپریالیسم و پایگیری سازمانهای مخوف جاسوسی به طریق ولی، اشکال نوینی به خود گرفت، که ارتباط مستقیم با دستگاههای جاسوسی و اشاعه سیاستهای نواستعماری امپریالیسم از آن جمله‌اند.

اولین گروههای میسیونرهای مذهبی در حدود اوایل قرن نوزدهم به ایران آمدند. گروههای اول میسیونری در ایران متعلق به دولت استعمارگر بریتانیا بودند، که مرکز عمده فعالیت‌های آنان در جنوب ایران قرار داشت. سپس نوبت گروههای میسیونری آمریکایی رسید.

میسیونرهای مذهبی، چه انگلیسی و چه آمریکائی و... از طریق ایجاد مدارس، نشر کتابهای مختلف و تربیت کادرهای مناسب، فعالیت‌های خرب خود را آغاز کردند. میسیونرهای مذهبی در دوران رژیم سرنگون شده پهلوی به‌طور عمده به اشاعه فرهنگ امپریالیستی، تربیت افراد رفتار سرمایه‌داری جهانی و ایجاد ارتباط بین دستگاههای امنیتی و جاسوسی امپریالیستی، اسرائیل و ایران مبادرت می‌ورزیدند.

پس از پیروزی انقلاب ایران، این مراکز با اصطلاح تربیتی بخشی از نالیتهای جاسوسی سیا و موساد و اینتلجنس سرویس را در ایران

بعده گرفتند. در حقیقت باید گفت که چنین مراکز از جمله حلقه‌های زنجیره‌های ضدانقلاب در ایران بودند، که پس از اشغال مرکز جاسوسی آمریکا در ایران و به این ترتیب ضربه خوردن یکی از مراکز عمده هدایت فعالیت‌های جاسوسی، این نقش به‌عده دیگر مراکز جاسوسی، از جمله مدارس میسیونری افتاد.

اسنادی که از یکی از این مدارس جاسوسی بدست آمده، حکایت از فعالیت گسترده و مخرب گردانندگان این مراکز می‌کند. از جمله می‌توان از اسنادی چون:

- سند مربوط به «سیا»، که مطابق آن «سولیوان» سفیر سابق آمریکا در ایران و یکی از برجسته‌ترین مبره‌های جاسوسی آمریکا در ایران، از دریافت میکروفیلها، نقشه‌های سیاسی - نظامی و مدارک مربوط به تعدادی شرح حال افسران نیروی هوایی توسط یک مبلغ مذهبی در ایران، از او تشکر کرده است.
- سند مربوط به ساختن جوهر نامرئی و ساختن مواد منفجره.
- سندی که مطابق آن یکی از «پدران روحانی» به ریچارد هلنز، سفیر سابق آمریکا در ایران و سر جاسوسی سیا نامه نوشته و یک «پدر روحانی» را بعنوان مطمئن‌ترین فرد معرفی کرده و اظهار داشته است که این فرد به تمام اطلاعات نظامی و سیاسی در سطح ایران دسترسی دارد و می‌تواند آنها را بصورت رمز برای آنها بفرستد.
- سند مربوط به نامه یک افسر فرمانده پتاکون در آمریکا، که برای همین «پدر روحانی» نوشته است و در آن از دریافت نقشه فرودگاههای مختلفی که در ایران آمادگی ایجاد جنگ داخلی و کودتا را دارند، نام برده است.

در مورد ارتباطات این میسیونرها، آقای بهزاد، معاون تبلیغاتی وزارت ارشاد ملی، در مساجله‌ای با روزنامه کیهان اظهار داشت:

«اینها و میسیونرهای مذهبی، با گروههای ضدانقلاب، بهایی‌ها، تعدادی مبلغین مذهبی مسیحی در ایران و حتی بر اساس اسناد بدست آمده با افرادی از افسران ارتش، نیروی هوایی و ادارات دولتی تماس و همکاری داشته‌اند».

چنانکه ملاحظه میشود، وجود چنین مراکز دال بر این است که امپریالیسم آمریکا و متحدان و ایادی آن به‌جهد می‌کوشند تا به طریقیک شده و با هر شیوه ممکن، انقلاب ما را با شکست مواجه سازند.

با توجه به فعالیت گذشته این مراکز، می‌توان چنین پنداشت که هنوز هم وابستگان آنها در این‌جا و آنجا مشغول فعالیت‌های مخرب‌اند. بی‌شک مراکز از نوع مراکز میسیونری در ایران بی‌شمارند، که هم‌اکنون نیز در تدارک توطئه و خرابکاری و جاسوسی علیه انقلابند. از این روست که باید هر چه زودتر و قاطعتر و با هوشیاری هر چه بیشتر راه را بر این فعالیت‌های مخرب بست.

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکائی) ضرورت انقلاب ایران است

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در فرانسه در برابر جبهه متحد ضد انقلاب، نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی ایران نیز باید متحد شوند

هموطنان عزیز و مبارز!

در تمام مدت حکومت رژیم نژاد پهلوی، ما شاهد مبارزات و افشاگریهای دانشجویان رزده، ده خارج از کشور بودیم. تظاهرات دانشجویان مبارز ایرانی در بریتانیا به هواخواهی از انقلاب ایران و شناساندن انقلاب ضد امپریالیستی و خقی برهبری امام خمینی، در برابر سرکوبگران انگلیسی، یادآور آن دوران و دارای اهمیتی فراوان است. چنانکه میدانیم، این تظاهرات با حمله پلیس فاشیست مآب بریتانیا، ساواکیهای فراری و طاغوتیان بوطن مواجه شد و به دستگیری و جرح و ضرب دانشجویان انجامید.

عمل دانشجویان مبارز ایرانی چهره واقعی دشمنان انگلیسی را نمایان کرد و نشان داد که امپریالیسم خونخوار بریتانیا چگونه «ارجحی» برای آزادی قتل و «انسان‌دوستی» او از چه نوع است. این «بشردوستان» ضد بشر، که حتی تحمل شنیدن صدای آزادی خواهان را ندارند، برای خونخوارانی چون اویسی و دیگر جلاذدان شاه، همه‌گونه امکانات را فراهم می‌آورند، تا بار دیگر با کشتار مردم ما «انسان‌دوستی» خویش را بشویند رسانند.

هموطنان عزیز و مبارز!

جبهه ضد خلق متحد شده و از پشتیبانی جهانخواهران بشر - دوست‌نمای ضد بشر برخوردار است. برای به‌ثمر رسانیدن انقلاب عزیزان، که خون‌بهای ۷۰ هزار کشته و ۱۰۰ هزار زخمی را پشوانه دارد، باید جبهه خلق را متحد کرد و با اتحاد و یکد پارچگی، پوزه کثیف امپریالیست‌های جهان‌تواری، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، و نوکرانشان - ساداتها، بگن‌ها، ضیاع‌الحق - ها و صداهای حسین‌ها را بختک مالید.

ما ضمن اعلام پشتیبانی قاطع از عمل دانشجویان مبارز ایرانی در بریتانیا، آنها راه به‌ثمر رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران را در اتحاد نیروهای ضد امپریالیست و خلقی در یک جبهه متحد می‌بینیم.

مرگ بر امپریالیسم چنانیکار بریتانیا!
درد به دانشجویان مبارز ایرانی در بریتانیا!
برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست و خلقی!

حمله به محل فروش نشریات حزب توده ایران در رباط کریم

آزادی آری...

بقیه از صفحه ۱

و سگ ضدانقلاب را کشاده بود. مین ما اینک در روزهای پس میرد که شباهت به دوران قبل از کودتای ۲۸ مرداد نیست. اشتباه در شناختن مرز آزادی و توطئه، بنحوی که از آزادی عمل نیروهای انقلابی کاسته شود و با برآمده شدن ضدانقلاب برای توطئه گری افزوده مبار خواهد آورد.

ملاک تشخیص مرز آزادی و توطئه همان است که آقای طباطبائی، حاکم شرع دادگاههای انقلاب خوزستان گفته اند، یعنی معیار واقعی سلب آزادی از افراد، گروهها و احزاب سیاسی باید «رفتار خصمانه» نسبت به نظام جمهوری اسلام باشد نه چیز دیگر.

متأسفانه کسانی هستند که تمایلات ذهنی خودشان را برای سلب آزادی از دیگران کافی میدانند و خودسرانه نیز هر فرد یا گروهی را که بخوانند محکوم می کنند و محکومیت آنان را نیز خود اجرا میکنند و خود کوزه و خود کوزه گر و خود گل کوزه میشوند. اقدام آنان عملاً توطئه است، زیرا آزادی عمل را از نیروهای انقلابی بسود نیروهای ضدانقلابی سلب و یا محدود می کند و این بزرگترین خدمت به ضدانقلاب است، خواه آگاهانه باشد و خواه ناآگاهانه. بیپرده نیست که ضدانقلاب به این تمایلات کوتاه بینانه ذهنی دامن میزند و در بسیاری از موارد خود ابتکار سلب آزادی از نیروهای انقلابی را پیاده میگیرد، تا بهتر بتواند توطئه های خود را پیاده کند.

ما بارها شاهد این طرز عمل ضدانقلابیون بوده ایم. کسانی بنام «حزب الهی» به دفاتر سازمانهای ما در تهران و شهرستانها حمله کرده، کتابها را سوزانده و یا آتایی و مانیین تجزیر و غیره را زردیده و برده اند. تقریباً در تمام این موارد ساواکی ها و مزدبگیران شایور و بختیار و سایر گروههای ضدانقلابی مائوئیستی نقش فعال داشته اند. این اقدامات، بدانگونه که آیت الله موسوی اردبیلی، به دادستان کل کشور گفته اند، به سود ضدانقلاب است، توطئه است و توطئه های بهمان اندازه خطرناک، که همدستی و همکاری با دارو دست بختیار و کودتاگران «نوز» زیرا زمینه سازی برای انجام یک جنایت خودبخوش از جنایت است، زیرا هیچ کودتائی بدون داشتن زمینه مساعد نمیتواند پیروز شود. هر جا عوامل ضدانقلاب عمیقتر در نهادهای انقلابی رخنه کرده اند، توطئه سلب آزادی از نیروهای انقلابی نیز با پیگیری بیشتری به مرحله اجرا در می آید. عوامل ضدانقلاب مردمان ساده لوح و احمق نیستند که زمینه سازی برای پیروزی اربابان خود را از حمله آشکار به انقلاب و جمهوری اسلامی و رهبران جمهوری اسلامی ایران آغاز کنند. آنان با ماسک عوامفریبانه، با نقاب گاه مسلمانانمان، گاه انقلابی نمائی و غیره افکار شیطنانی خودشان را تحقیق میبخشند. نباید اجازه داد که کسانی از افراد بی مسئولیت بنام «مردم» توطئه ضدانقلاب را، که سلب آزادی از نیروهای انقلابی است، پیاده کنند. بخصوص در این لحظه حساس، که امپریالیسم هجوم خود را بر ما در تمام طول جبهه آغاز کرده است.

آیت الله بهشتی...

بقیه از صفحه ۱

آیت الله دکتر بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور، دیروز در مساجح مطبوعاتی هفتگی خود به سوالات خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ داد. وی در پاسخ سؤال یکی از خبرنگاران مبنی بر فعالیت گروههای

حزب ما مدارک و اسناد موثقی درست دارد که ضدانقلاب معمم است در آستانه تهاجم گسترده خود به ایران، بین نیروهای انقلابی جو خصومت و درگیری بوجود می آورد. می بینیم که ضدانقلاب برنامه خود را با پیگیری دنبال میکند. خنثی کردن توطئه ضدانقلاب تنها وابسته به درایت، خودبینی، داری و خردمندی احزاب و گروه های سیاسی طرفدار انقلاب نیست. نهادهای دولتی نیز برای پایان دادن به هرج و مرج که در زندگی اجتماعی ایران حکمفرماست، باید احساس مسئولیت کنند.

اگر توطئه گری ملاک عدم قانونیت برای فعالیت سازمانهای سیاسی است - و باید باشد - حزب توده ایران نه تنها توطئه گر نیست، بلکه توطئه شکن است. فرد فرد اعضای حزب ما در هر کجا باشند، به نیروی از مشی اصولی و انقلابی حزبشان، کشف توطئه های ضدانقلابی علیه جمهوری اسلامی ایران را از اهم وظایف خود محسوب میدانند. ضدانقلاب بارها تأکید کرده است که در دشمن اصلی دارد: هواداران صدیق امام و حزب توده ایران. و این بزرگترین افتخار تاریخی برای حزب ماست. نفرت و کینه حیوانی ضدانقلاب به حزب توده ایران نشانه وفاداری بی پایان آن به انقلاب شکوهمند ایران است. وفاداری ما به انقلاب و به جمهوری اسلامی ایران نیز از مشی اصولی و انقلابی حزب ما سرچشمه میگیرد. ما معتقدیم که بدبختی و مصائب ایران و تمام جامعه بشری ناشی از نظام مستکرم سرمایه داری امپریالیستی است. اگر امپریالیسم، یعنی حکومت انحصارات بزرگ، که اقتصاد جهان سرمایه داری را در دست دارند و برای تأمین سود حداکثر بر جنایت دست میزنند، از صحنه زندگی اجتماعی جهان رانده شود، خلقها میتوانند در ظرف مدت کوتاهی با همکاری و همیاری یکدیگر به فقر و جهل، عقب ماندگی و تمام مصائب دیگر که همه و همه ناشی از سلطه این رژیم اهریمنی است، پایان دهند.

انقلاب ایران در این راه گام بر میدارد و بزرگترین درایت را بر دیگر امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، در خاور نزدیک و میانه وارد کرده است. ایدئولوژی ما، سیاست ما، قلب و احساس ما بنا حکم میکند که تا آخرین نفس در راه حفظ این سنگر ضد امپریالیستی مبارزه کنیم، حتی هم پرسر کسی نذاریم. وظیفه انقلابی خود را انجام می دهیم. از حملاتی که دشمن بر ما میکند، خرسند و سربلندیم. بی مهری دوستان انقلاب را تحمل می کنیم، اما بدانان توصیه می کنیم که بخاطر حفظ انقلاب، در این گذرگاه پرخطر تاریخ، خود را از اسارت پندارهای زهر آلودی که سالیان دراز تبلیغات امپریالیستی پراکنده اند، برهانند، دوستان و دشمنان انقلاب را بشناسند و پروی دوستان یکدم دشمنان بجه نزنند.

سیاسی و در ارتباط با اظهارات حجت الاسلام رفسنجانی و اقداماتی که در بعضی از شهرستانها از جمله آبادان و خرمشهر در جهت ممنوعیت فعالیت گروههای سیاسی انجام گرفته است، گفت: «ما بوشک باید بکشیم به شرایط عادی و سالم زندگی اجتماعی منتقل شویم و یکی از آثار این شرایط عادی همین خواهد بود که

امپریالیستهای آمریکایی

بقیه از صفحه ۱

آمریکایی، که تا بحال مدعی تلاش برای نجات جان گروگانها و «رعایت موازین بین المللی» بودند، توطئه های پر اندازی خویش را، با ادعای «دفاع از امری انسانی»، توجیه میگردند، باینکه خطر را بیش از پیش بصدا در آورد. امپریالیستهای آمریکایی در این اعتراف سریع دیگر اسرار بی پروشاندن چهره گریم و جنایتکار خود ندارند، و بهتر است گفته شود که، این کوشش را عیب می دانند. آنها در طیس قصد داشتند بر سر مردم انقلابی کشور ما یاران بعب ببارند و در کودتای نافرجام ۱۸ تیر، نابود کردن حتی ۱۰ میلیون انسان را نیز برای دستیابی به هدف شوم خویش، پیش بینی کرده و ضرور شمرده بودند. حتی هم اکنون نیز کمتر کسی است که در فضای آستان خطر، حاکم بر جامعه ما آمریکا و دست نشاندگانش بر گرد کشور ما، بوی توطئه های خطرناک و خونین تر را استشمام نکرده باشد. پس نباید نگرند توطئه بیفایده است.

برعکس، اینک امپریالیستهای آمریکایی با اعلام سریع قصد شوم خود، میکوشند تا مزدوران خویش را، که در انتظار «دستور عمل» پس می برند، روحیه بختند و در جبهه نیروهای انقلابی و مدافعین جان بر کف جمهوری اسلامی ایران و نیز مسئولین آن، زهر ترس و نگرانی تزریق کنند و در آستانه این نبرد مرگ و زندگی، بر نیروهای مدافع انقلاب ایران، برتری روانی بیابند. باید گفت با اینکه خوشبختانه نیروهای صدیق و مسئول جمهوری اسلامی ایران، عمق خطر را درک کرده اند، ولی متأسفانه روش صحیح مبارزه با این دشمن درنده و سازش ناپذیر را هنوز نمی شناسند. آنها در این لحظات خطیر و حساس حیات جمهوری اسلامی ایران، که امپریالیسم آمریکا شمشیر تجاوز بر سر انقلاب ایران بالا برده و دیگر تلاش برای کتمان کردن آنرا نیز بکنار نهاده است، هنوز به کمکش ها و درگیری های درونی مشغولند و یا همچنان سرز درستان و دشمنان انقلاب ایران را تشخیص نمی دهند. مسلم است که ادامه چنین وضعی آشکارا بسود امپریالیسم آمریکا تمام میشود، و اگر بازم ادامه یابد، فاجعه آیین است.

ما باریکتر تأکید میکنیم: دشمن دیر یا زود به حمله دست خواهد زد و دیر یا زود شمشیر خونبار خود را بر پیکر انقلاب ایران فرود خواهد آورد. در مقابل دشمن باید صفی متحد، یکدل و مجیز از نیروهای انقلابی و سبزی نفوذناپذیر از نیروی مردم را قرار داد. تفرقه در صف متحد نیروهای خلق، بسود دشمن است.

ما بار دیگر تکرار می کنیم: باید بی ترس از مزدوران امپریالیسم آمریکا را تعقیب، دستگیر و قلع و قمع کرد. باید با مستگیری قاطع بسود توده های زحمتکش آنها را به دفاع از انقلاب تسویق و ترغیب نمود. باید تبلیغات و اقدامات خصمانه علیه نیروهای انقلابی و مترقی را متوقف ساخت و جبهه های از کلیه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، سرفظ از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی، بوجود آورد. باید کلیه فریادها را بر سر آمریکا کشید و تمامی سلاحها را بسوی آن متوجه ساخت. در این صورت انقلاب ایران از این مهلکه نیز سلامت خواهد جست و با قدرت و سرعتی بیشتر به پیش خواهد رفت.

گروهها در چارچوب قانون اساسی امکان کار صحیحی را داشته باشند... آیت الله دکتر بهشتی در پاسخ سؤال خبرنگار دیگری درباره احتمال محاکمه مقامات و کشیشهای کلیسا، که در اسفهان به جرم جاسوسی دستگیر شده اند، گفت: «وقتی که ما معتقد به استقلال باشیم، یکی از آثارش اینست که

قطب زاده علیه...

بقیه از صفحه ۱

میکند، برای اینست که دستش از ذخایر ما کوتاه شده است و ترس اینرا دارد که دیگر این کوتاهی دست باقی نماند، از اینجهت توطئه میکند. امروز که ده ماه از آن تاریخ میگذرد، نکته ای که در آن بیانات امام خمینی، بسی آموزنده و عبرت انگیز است، اینست: از زبان خود رهبر بنسب و در آن تأمل کنیم: «ریشه های فاسد به فعالیت افتاده بودند تا ما دخالتی نکنیم و به جوانها بگوئیم که از آنجا بیرون بروند.» امروز ما همه با هم نمونه های این فعالیت ریشه های فاسد را در عرض ده ماه دیده ایم و باید بخوبی متوجه باشیم که نامه قطب زاده به مجلس و مصاحبه ای که در بالا ملاحظه کردیم، آخرین آن خواهد بود.

در همان مصاحبه تاریخی خود، امام خمینی تنها به پشتیبانی از عمل دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اکتفا نکردند، بلکه با بیانی روشن، درستی این عمل انقلابی و علت پشتیبانی از آنرا توضیح دادند. رهبر انقلاب پس از آنکه نمونه های غارتگری و جنایت های رژیم شاه سابق را بر شمرند، بویژه تأکید کردند: «جوانهای ما توقع ندارند که دوباره کشورشان بطل سابق برگردد و همه چیزشان بباد برود.»

در روز بعد امام خمینی، طی سخنانی که در مقابل گروهی از دانشجویان ایراد کردند، بار دیگر حمایت کامل خود را از تصرف لانه جاسوسی آمریکا در ایران اعلام داشتند و متذکر شدند: «شما بدانید که الان مرکز فساد آمریکا را جوانهای ما گرفته اند و آمریکا را که در آن لانه فساد بودند، گرفته اند. جوانان ما مطمئن باشند که آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند.»

چند روز پس از آن، در سخنان تاریخی خود خطاب به نماینده پاپ، امام خمینی در مورد عمل دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از جمله چنین گفتند: «اگر اینها يك مسائل سفارتي بود و مربوط به توطئه های بر ضد ملت ما نبوده است، محتاج به این عمل نبود. حالا که توطئه برای ملت ما ثابت شده است و عمل جوانان ما را تمام ملت و قشرهای آن، الابغسی منحرفین در اینجا (نگارنده قطب زاده بار دیگر بشنود) و در سایر ممالک دیگر، از آن پشتیبانی کردند. این خواست تمام ملت بوده است، نه خواستی که از روی هوس نفسانی باشد. توطئه ها در آنجا بر ضد بشر و کشورهای اسلامی به خصوص بر ضد ایران است.»

اما چنانکه رویدادهای مکرر روزانه نشان داده اند، «بعضی منحرفین» از قماش قطب زاده، تا بدانجا در این «انحراف» پیش رفته اند که در گفتار ۲ ساعته اخیر در کانال ۲ تلویزیون جمهوری اسلامی ایران (!)، بنوشته روزنامه صبح آزادگان (۶/۹/۵۹): «این آقای وزیر جلال نشاء، حتی

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم آقایان ۴۰۰۰۰۰ ریال جمشید اف ۱۰۰۰۰۰ ریال قیام آشکار علیه خط امام نیست!

کایتولاسیون نداریم. هر کس مرتکب جرمی شود، همین جا محاکمه میشود. ولی باید اینکار با رسیدگی و دلایل کافی انجام بگیرد.» آیت الله دکتر بهشتی همچنین در پاسخ خبرنگاری که درباره اظهارات قطب زاده پیرامون محاکمه جاسوسان آمریکایی سؤال کرد، این اظهارات را نظر «شخصی» قطب زاده خواند.

از امکان سقوط جمهوری اسلامی نیز سخن گفت و ناخود آگاه، ولی با اطمینان از آینده ای دیگر، غیاز آن آینده ای که مردم مستضعف ایران آرزوی آنرا دارند، یعنی آینده ای، بیشتر مطابق با خواب های که امپریالیست ها، دشمنان خوشبختی مردم مستضعف ما دیده اند، سخن بیان آورده.

اوائل اسفندماه گذشته، امام خمینی، طی پیامی اقدام دلیرانه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را باریکتر تأیید کردند و از جمله متذکر شدند که:

«دانشجویان مسلمان و مبارز که لانه جاسوسی را اشغال کرده اند، با عمل انقلابی خودشان ضربه های بزرگ باریکتر آمریکا و جهانخواه وارد نمودند و ملت را سرفراز کرده اند.»

در پیامی که امام خمینی، در پی افشای توطئه طبعی و شکست مفتضحانه آن انتشار دادند و همه مردم را به آمادگی و بسیج همگانی برای مقابله با توطئه های امپریالیسم آمریکا دعوت کردند، بار دیگر به شجاعت و دلالت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، «این جوانان مسلمان و مبارز و غیره» اشاره کردند. سخنان رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در تأیید و پشتیبانی عمل انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بسیار است.

بر این اساس مردم می پرسند: آیا خط میم وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، قطب زاده درست برخلاف خط امام نیست؟! پیش از هر کس امام حل مسئله اسلامی محور کردند. و مجلس شورای اسلامی بدرستی تصمیم به محاکمه گروگانهای جاسوس گرفته و بتدارک مقدمات این محاکمه پرداخته است. اما باز صدای وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران قطب زاده بلند میشود که «چنین محاکماتی از هر نقطه نظری که به آن نگاه کنید، علیه مصالح ما است.»

بر این اساس مردم می پرسند: آیا روش قطب زاده درست برخلاف رهنمود امام نیست؟! «این وزیر جلال نشاء» حتی دولت در شرف تشکیل آقای رجائی را نیز صریحاً تهدید میکند که اگر مانع محاکمه گروگانها نشود و «مسئله گروگانها را حل نکنند، در آن صورت بیجا نخواهد رسید!

بدینسان برای قطب زاده (که بفول مجله «تایم» علیرغم انتقاد شدیدش از ایالات متحده آمریکا، عامل متدلی در داخل حکومت ایران است و «تایم» چه خوب فهمیده است!) در زمانیکه امپریالیسم آمریکا تمام نیروی خارجی و داخلی خود را برای درهم شکستن انقلاب و سرنگون ساختن جمهوری اسلامی ایران بکار انداخته است، فقط این مسئله مطرح است که چگونه امپریالیسم آمریکا کند تا جاسوسان خود را بسازد بگیرد، چگونه امپریالیسم آمریکا کند جاسوسان آمریکایی - و در واقع امپریالیسم آمریکا - محاکمه نشوند!

و سرانجام مردم می پرسند: آیا سیاست و روش قطب زاده، قیام آشکار علیه خط امام نیست!

ما ضمن محکوم کردن این اعمال، که در نهایت آب به آسیاب ضد انقلاب و امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکایی میزند، از مقامات جمهوری اسلامی و نیروهای انتظامی، بخصوص سپاه پاسداران رباط کریم، شمرار، خواستار رسیدگی به این مسئله، شناسائی، تعقیب و مجازات عاملین اینگونه اقدامات هستیم.»

نامه فرمود
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه «مردم» فعلاً
در اشغال عناصر
غیرمسئول است)

NAMEH MARDOM

No. 319
28 August 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 cts
Sweden 1.50 Skr.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق